

قلم ایران

شماره ۴۵ مسلسل ۱۷۰
(دوره جدید)
۳ مهر ۱۳۶۵
پنجشنبه ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۶

زیر نظر شورای نویسندگان

مادۀ پیراد

ترو ریزم چگونه سرکوب

هوشنگ وزیری

و چگونه پرواز می شود

نکا دهها راندوی جمهوری اسلامی جراحانده است
وحدسرتو خرا اسفندردی؟
آیا اتحاد امروز زیر عنوان "واحد
و اما راب" برین آدنگان حسنی در
اس مواد سرحون مطرح می شودحسان
سجده وسجیم اسکده اس حسد
ککاس وکاو ویا حبریا ردا سداست
آیا می توان بدرفب کده سکا دهسکای
امضیتی غرب آفدرنی سد ویا وسعدو
نا آکا هندکده در سمرمان سا و سدا
درماندهاید؟
صلما "اسطور سبب اکری کونیم سه
نحوصلتی ولی در حدی که سکا رچاره خوشی
بیاسد، ار ررویم جوانبنا حبرید،
خاصه که حالت حبیبوری اسلامی در اس
جنابا بار غارنا اسبها سد فقط سه
دلایل عیبی که حسی سدا ترا ر عکر عوامل
وآدمگنان رژیم مسلم بوده است و هبت
بقیه در صفحه ۲

مطبوعات و منابع امنیتی بر آنست سز از
تربیا جمعی درسی خون بار ترورستی سز تمام

حسینی متکان

جنگلی ها

گس های آری اوگنا سدا در اعصابی
حیکل های آن سرور کودک هفت ساله سی
را راه سدا کدا گون درک مرکز سرکی
در این سدا سبب اوگنا سدا نگه داری
می شود
اس کودک سدا سبب سدا در حیکل زندگی
می کرده است، سبب ریاسی سبی داسد،
به جای حرف زدن جمع و دادنی کسید،
حرکات سبب عرادی است، سالاوسانس
می برد و سرور سبب خود می کوسسد، ار
کودگان همس خودی سر سرد و سبب
سما بلی سدا سبب سر ترا ر کردن همساری
سدن با آن خاسان سبی دسد، با آنگه
روی دوبار سبی رود و سبب سدا در اس
سدن خود را سبب سدا دارد اما سدا در
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
و سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
را سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
حال سبب سبب سبب سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
از سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
اومی سبب سبب سبب سبب سبب سبب
بقیه در صفحه ۱۲

منطق دوزخی بده بستان

در صفحه ۳

نام و نشان ۲۰ تروریت

رژیم نیمی سوریه و جمهوری اسلامی، و
همچنین حمل و نقل اسلحه با استفاده از
حمدان های دیپلماتیک است.
به گفته منابع آگاه، سبب گذاری های
اخیر پاریس، توسط حزب اللهی های
انجام شده که از لبنان به فرا سدر فتنه
بودند، و عنوان ارتش انقلابی لبنان،
سرپوشی بر این مسئله بوده است.
زورمال دودیمان سبب در پاریس می نویسد:
در ارتباط با مسئله تروریت، م
شیعون بر زرخست وزیر اسرا شیل، تا دو
هفته دیگر به پاریس سفر خواهد کرد.

ترو ریزم چگونه سرکوب

سدکاظم اکرمی، وزیر آموزش و سرورس رژیم تهران، در آستانه سال تحصیلی
جدید، اولویت آموزشی را معین کرده است. گفته است که جنگ محتررا زد و مترو صق
است. امسال نیز ما سبب هفت سال گذشته، دانش آموزان را سبب برای زندگی که
برای سرک آمده می کنند. اگر دفترو کتب و معلم و مدرسه برای دانش آموزان
نیست در عرض سبب جنگ هست. برای هلاکت در جنگی که ما سبب حوره سبب سرور
اساسی و منابع ثروت کشور ما افتاده است. سبب سبب سبب سبب سبب سبب
ندارد. جوانان هر چه سبب آن تر، مغز سبب آن ها سبب تر.
هر دود، مورخ سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
جنگ را سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
می سبب سبب، و در جنگ، سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
هر دود سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
و همچو را می سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
را سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
نیز سبب سبب. گره کردن فقط در خلوت خانه و دور از چشم سبب سبب
با سبب در سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
نظام آموزشی رسالت خود را سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
کشتار، سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

بقیه در صفحه ۲

مادر خریدار جمهوری اسلامی

دره سبب زمینه هفته نامه ای اسلامی
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
بقیه در صفحه ۱۱

اوقات تلخی جمهوری اسلامی

روزنامه لیبرالیون، ضمن بررسی
این موضوع که حرفا سبب سبب سبب
تروریتی واقع شده است، می نویسد:
دولت شیراک، سبب سبب سبب سبب
نصمیم خود را سبب سبب سبب سبب
با جمهوری اسلامی اعلام کرده و اجرای
این هدف سبب سبب سبب سبب
فرانس را سبب سبب سبب سبب
اولی سبب سبب سبب سبب سبب
ساخت، دوزخ دیگر عیار ت سبب
برداخت و ام یک سبب سبب سبب
فروش اسلحه به عراق،
بقیه در صفحه ۸

بذگزارس خورنگا رقیام ایران از لندن
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
فروش اسلحه به جمهوری اسلامی،
انگلستان همچنان سبب رژیم تهران
اسلحه می فرسود.
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
مسئول خرید تجهیزات برای نیروی زمینی
جمهوری اسلامی که تاکنون جنبا سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
سرریل رفته در تاریخ ۱۸ و ۱۹ سبب
احبر، برای احاطه سبب سبب سبب
لندن بوده است، لازم سبب سبب
که در ماه سبب سبب سبب سبب
کا ملا" سبب سبب سبب سبب سبب
توسط سبب سبب سبب سبب سبب
ملی ایران فرار کرده بود، سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
آن سبب سبب سبب سبب سبب سبب
با دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی در
لندن همکاری می کند.

این اسناد روشن می کند که چگونه رژیم
خمینی برای تحصیل ملزومات جنگی،
در جهت ارتقای جنون جنگ طلبی، دست
به دهان سوداگران بازار رجهائی اسلحه
می شود.

بیب قزازی ها:

نتایج سیاست فرانسه

در صفحه ۱۱

چگونه تروریت

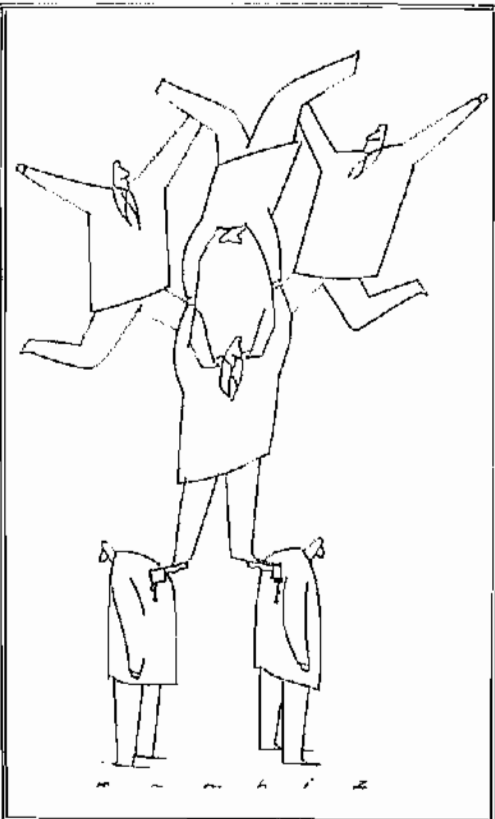
عبارتی از بلوچستان گزار سبب سبب
که در چند روز گذشته سبب سبب
با سبب سبب سبب سبب سبب
در این درگیریها، دهها سبب
رسیده اند. "محمد سلوچ" رهبر گروهی از
شورشیان بلوچ ناحیه سبب سبب
با سبب سبب سبب سبب سبب
بیرون رانده است، نیروهای سرکوبگر
جمهوری اسلامی به سبب سبب
و تسلط خود را سبب سبب
و سبب سبب سبب سبب سبب
اخبار مربوط به بلوچستان خودداری
می ورزند.
گزارش های قبلی حاکی از آن بود که روز
هنده شهر بورما سال جاری با سبب
"سفیدک" در نزدیکی میرجاوا از طرف
عشا سبب سبب سبب سبب
نیروهای جمهوری اسلامی با یکدیگر خودروی
حامل نفقات مسلح کمیته ها روز سبب
۲۲ شهریور به "قلعه" واقع در ۱۲۵
کیلومتری جنوب غربی زا هدان که محل
استقرار بخشی از نیروهای عشا سبب
حمله کرده سبب سبب
ار آوردند.
بقیه در صفحه ۱۱

تروریسم چگونه سرکوب و چگونه پروار می شود

بقیه از صفحه ۱

چنانچه اسلحه‌های در دسترس پست‌به‌جهت‌نیروئی دارد؟ حزب‌اللهی‌های دره بقیاع و سلطک از جه‌خانه‌های سلاح و سول می‌گسرنند؟ سیدحسین موسوی رهبر انشعابیون امل که آشکارا می‌گوید "اسرائیل و فرانسه و آمریکا هدف‌های اصلی ما هستند، از کجا تنذبه می‌تود؟ سوریه و لیبی (بی‌آنکه بتوان نقض آن‌ها را در تروریسم بین‌المللی انکار کرد) خاصه در مناسبات خود با فرانسوی‌ها چه معطل لاینطلی داشته‌اند و دارند؟ هم‌اکنون در لبنان، این جه‌گروه‌هاست که شب‌روزی‌سرازان فرانسوی (کلاه آبی‌ها) آتش می‌بارد؟ در حالیکه هم در سوریه و هم جناح اصلی گروه امل "دره‌بری سیه‌بری" با حضور آن‌ها در لبنان را آشکارا موافقت کرده‌اند؟ درخواست آزادی دسته‌ی "انس‌نقاش" که سو، قصد به‌حاکم‌شاوربخسار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران را به‌عهده داشت و یک سلیس جوان را برای ابد فلیج و خانه‌نشینی ساخت و دیگری را همراه با زن خانه‌داری به خاک و خون کشیدند، لنا کنون از سوی چه "دولتی" آشکارا عنوان و پشتیبانی شده است؟ گروه‌گان‌های فرانسوی در اسارت چه دست‌هایی بر می‌زنند و به این دست‌ها از کجا نان می‌رسد؟ اصولاً فرانسه در قلمرو مسائل سیاسی و اقتصادی و "جنگ" از جمع سه رژیم سوریه و لیبی و جمهوری اسلامی با کدا میک درگیری و چون و چرا داشته است؟ به تروریست با ابزارهای بیچیده‌ی خرابکاری و هرسه از توابع جمهوری اسلامی، در ترکیه بدام می‌افتند که قصد ورود به قسری داشته‌اند و پیدا است که قبرس منزل آخر آن‌ها نیست بلکه فقط سرپلی است برای رسیدن به هدف‌هایی در قلب اروپا و با احتمال زیاده‌فرانسه - آیا همین خود قابل‌ثناء مل و تعقیب نیست؟ دست‌کم نمی‌تواند کلبیدی برای تحقیق و کشف رابطه با بمب‌اندازیهای اخیر در صلات یا ریس تلقی شود؟ بی‌شک اگر پاره‌های "ملاحظات در میان" نبود، نتیجه‌ای که امروز آن هم آمیخته به انواع ایهام و ابهام بدست آمده و چشم‌ها را به سوی جمهوری اسلامی گردانده است، مدت‌ها و سال‌ها پیش بدست آمده بود.

شکفت انگیز است، کشورهایی که حالاً به هدف اول تروریسم مبدل شده‌اند، تجربه‌ی پر عبرتی نیز با خود دارند که ظاهراً "در پیچ و تاب ممالج کشور اقتصاد و جاذبه‌های بازاری فراموش کرده‌اند. آن‌ها با یک باخوانی سریع در چند و چون حوادثی که از سال ۱۹۳۳ (ظهورنا رژیم در آلمان) روی داده می‌توانند به یاد آورند که بر مناسبات



و "منازله" با شیطان و سپهر انگاری در ضیال فاجعه‌ای که نطفه می‌گیرد، چه آثار شومی مترتب خواهد بود. جدسار زمانه‌داران کوتاه بین در سال ۱۹۳۳ وقتی که رایش‌تاک به آتش کشیده شد، تصور می‌کردند که با دزهر کمونسم در آلمان کشف شده است، غافل که به‌همال از سم قاتلی جسم بسته می‌گذشتند که ۶ سال بعد به‌کام خود آن‌ها فروریخته شد. اروپایی‌ها، جزو ادوات آن سال‌ها از تجربه‌ای نزدیک تری نیز برخوردارند، با زتاب خشن امریکائی‌ها در مقابله با جراحی‌هایی که همان موقع از جانب بعضی متحدان درها لسه‌ای از وخت با انواع راه‌پندان مواجه شدند - حالا س از جه‌رماد به عنوان یک قدم اسریش از بیایی می‌سود. دوم، سسه معتبر "مطالبات استراتژیک" نتایج بررسی‌های خود را در زمینه آشکار آن واقع، تقریباً "سازمان مشترکی شرح می‌دهند" که از آن زمان حضور عوامل قذافی در بسیاری از جراحی‌هایی که هستی فوق‌العاده یافته و تروریست‌های ترسناکی بخصوصی در انتخاب هدف‌های امریکائی احشای قابل ملاحظه‌ای نشان داده‌اند.

این خود برهان ناقصی برای واقعیت است که تروریسم به همان کتاب که در قنات و خونریزی مرزی ناسپوده باقی نمی‌گذارد از برای استقامت و معامله به‌مثل می‌گزیرد. سرانجام این اندیشه با بدغلیه کند که "تروریست‌ها" به‌تنهایی گری از این کلاف‌ها زخو هذگرد. ناگزیر باید از یکسو به سرکوب‌گان‌ها و از سوی دیگر به شناخت علت‌ها قیام کرد. بیماری تروریسم، همچنان مرگبار و پرغوغا ادامه و حتی توسعه خواهد یافت - مگر آن که کار درمان، از ریشه‌یابی آغاز شود: به حکم این اصل محکم که می‌گوید: (اول تشخیص و آنگاه دارو). دنیا خواه ناخواه باید این روش آزموده را بپذیرد و به مقتضای آگاهی به ریشه‌ها، با قاطعیت به چاره‌جویی بنشیند.

در مقاله‌ی گذشته نوشتیم: "خمیرمایه‌ی این عارضه، ترکیب بیچیده‌ای است که شناخت آن به‌تحلیلی در حوادث قرن‌ها نیاز دارد، ولی از حیث اثر در یکسی دو جمله خلاصه می‌شود:

آشنگی با زهم بیشتر و بیشتر چنان که زیانتش با طبع عمومی است و به‌هرز بردن تلاش و تنالی ملت‌هایی که از ستم صدها ساله‌ی تاجا و زور بهره‌کشی بستوده آمده‌اند.

بایک دید با زویی غرض، فهم این نکته آسان می‌شود که:

تروریسم مخلوق دست‌هایی است که یک زمان بر خیزش‌ها و خواستهای ملی راه بسته و حالا که نوبت به خود آن‌ها رسیده

را در مسوولیتی این سدی کند، الاحرم از منافع دیگری نسبت می‌کند و کوهسی را فرومی‌ریزد.

سنگرندی در مقابل حرکت‌های ملی (بداظر حفظ سوندهای واسنگی) - راهگسائی بدودحمسی‌ها را که برار حکایت‌شخ دادن بدست زنگی مست خواهد بود، کند براسی وانسب نهاد می‌دهد. اگر این معمارا کدا خبر زندگی و تاریخ جوس جورده است دسا هم کند. آنگاه به بدسرودم خواهد رسد که با "زنگی‌ما" معاشره و معامله دیوانگی است.

عدل و تحریه می‌گویند، برهمنزرا س ما جرای مرگبار، در هم‌گوس کاسوهای منجم ویرانگری است که در اداره ساج نگورده همان اداره سرروار می‌شود.

حای سای آدمگان ناللب بدست صاران همه‌جا تا هرس می‌گویند: "محرم را با سدا حد تا مکافات بر بگذارد." گویا انتظار است که حاصدای ورفسنجایی وحی "اما حمیسی" را در حال دست‌بند ساندنا سبب کابل شود.

داستان حسودی "سداها" است. طرف خنده‌مدزیان گواهی می‌دهند که راه دور برود؟ عاظمه‌ساروکارگردان‌مهم؟ س گمده‌گسب و کجا است؟ در این مرحله، داروی درد، ناطب است، تا فراد با سرحا سبب حراب نیز در اهتد.

یک روش ساخته‌دهی تروریست‌ها، انتخاب مواضع هر چه ضعیف‌تر است و معیار ردیفشان در اس انتخاب سهل انگاری و ممانعت است.

ظاهراً "اسرائیل عمده‌ترین سبب تروریست‌ها است ولی تحت سس که به مقیاس قابل توجهی کمتر از آن‌ها که متهم به حمایت از اسرائیل بوده‌اند، از گردیدنها جان آسپ‌ده‌ده‌است.

آزادی‌گروگان‌های امریکائی، در فصل انتخابات ریاست‌جمهوری و در سی چشم‌غره‌های ریگان، یک نمونه‌ی دیگر است. فدایی سبازها ن سبب نا منتظر که خاندی خود را در زیربیم‌های حریف و یون یافت، دانست که سیدان ترککاری چندان فراخ نیست.

ظاهراً "این یادها و آزمون‌ها با سدا حل مسئله را کفایت کند و بیامورد که آدمگان خمینی را چگونه می‌توان امسان بست.

در جنگ با تروریسم گذاردن راه‌پس موازات هم چاره‌ساز خواهد بود: برهیز از عناد با جنبش‌های امیل و ملیتی و قاطعیت در سامله‌با کانون‌های تروریسم. هرگونه انحراف از این خط به تداوم و تقویت این عارضه‌ی قرن کمک خواهد کرد.

سهل انگاری و ممانعت و "ملاحظه" را فقط به خاطر حفظ منافع با زار جانشین قاطعیت و مقابله ساخته‌اند.

سرکوب هر حرکت استقلال طلب و ملی، تنها بخاطر حفظ منافع و سرونظام‌های وابسته و فرما سببر در جزآن همس آورده‌است، چه ضرورتی می‌توانست داشت؟

این روایت دقیقی از واقعیت است که "وقتی درها بسته بود و اتفاق را دود فرا گرفت، راهی سوی شکستن بنجره و تسلیم به عاقبت‌نا پیدا باقی نمی‌ماند."

چه بسا در پشت بنجره نیز همسوازی آزادی نتوان یافت ولی در آن لحظه‌ی خفگی حای تا مل نیست - قربانی خفقان بی‌اراده دست‌وپای زنده‌یکه از این ستون تا آن ستون فرجی بیاید.

سرگذشت ظهور و غلبه‌ی ولایت فقیه (کانون اصلی تروریسم بین‌المللی)، در رهگذار علت‌یابی خودیک‌شاهد و راوی صادق و زنده است. خمینی‌آرمان ملتی را که هیچ جز آزادی و قانون نمی‌خواست، در تنگناها و فضائی که با "فهم و درایت" جنگیده بود - یکسره دزدید و قتل‌گرفت و به‌حصار جهنمی را بالا برد.

ثناء مل در این حکایت، آغا ز ریشه‌یابی است. پیامد مقابله با ارزش‌ها و خیزش‌های امیل ملی، همینگونه انحرافات است که به‌هیترها و خمینی‌ها (حالا حساب‌نا همگونی‌ها را کنار بگذاریم) فرصت رشدی دهد.

اگر اصل "تشخیص قبل از درمان" را اعتباری مانده است، ناچار باید از راه رفته‌با زگشت و اولین گام در گذرگاه ملاح، تسلیم به (ارزش‌های ملی) و نمایندگان این ارزش‌ها یعنی گرایش‌ها و جنبش‌های ملی و استقلال طلب‌است. تکراری مناسبتی نیست که "وقتی آب

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا
شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

منطق دوزخی بدهستان

بقیه از صفحه ۱

جنگ، مهمتر از دفتر مشق

در هیچ جای جهان در هیچ زمانی دیده نشده است که صنعت چاپ، این دستاورد تمدن امروزین، با چنین گستاخی ای در خدمت ترویج نادانی و خرافات برستی قرار گیرد. این کار، با نظام آموزشی ای که از قدیم بر جای مانده بود، امکان پذیر نمی شد. از اینرو آموزش و پرورش، در کنار دادگستری، از نخستین ریشه‌ها بی بود که تیشه انقلاب اسلامی بر آن نهاده شد. تنها دلیلی نبود که محمد علی رجایی، کفیل وزارت آموزش و پرورش رژیم، بعداً "توانست به نخست وزیر و سپس ریاست جمهوری برسد."

شکوهی که در گذشتن دارالفنون به عنوان نخستین واحد آموزشی مدرن ایران، در برنا مه تخریب آموزش و پرورش، فقط جنبه نما دین نداشت. ملاحظه آموزش و پرورش را مانند دادگستری، قلمرو انحصاری خود می دانستند. دارالفنون نمی بایست خاطر تاریخی استقلال آموزش و پرورش را از انحصار طلبی آخوندی زنده نگاه دارد.

ملاحظه پس از انقلاب و به قدرت رسیدن رژیم رجایی، دوباره آهنگ آن کردند که قلمرو زدست داده را به تخریب در آورند. ولی آموزش و پرورش که آنان در برابر خود یافتند، دیگر به هیچ روی، آن نبود که از انحصار آنان بیسترون آمده بود. میلیون ها دانش آموز و دهها هزار آموزگار رودیبرو استا، چهره ای به آموزش و پرورش ایران داده بودند که "اصلاً" برای مدعیان قدرت انحصاری، شناخته نبود.

پس "با کمازی" در آموزش و پرورش آغاز شد. در طول انقلاب، اگر موسسه های آموزش عالی را کنار بگذاریم، ۲۵ هزار آموزگار از کار برکنار شدند تا یک مشت مردم آفسون زده و بیگانه به مراکز آموزش مدرن بتوانند جای آنان را بگیرند. حتی روزنامه های معاصره شده، رژیم نیز از افشاگر سطح آموزش، از ابتداء شکی گرفته تا دانشگاه، شکایت سردا داده اند.

اما افت فقط در کیفیت نیست، از حیث کمی نیز شاهدین رفت حیرت آوری هستیم. آمار می که در سخنرانی پیش از دستور برخی نمایندگان همین مجلس شورای اسلامی آمده است، حکایت آن در دهه سال تحصیلی گذشته یک میلیون و نیم کودک ۶ تا ۱۰ ساله ایرانی نتوانستند به مدرسه راه یابند.

کلاس نیست. کتاب نیست. معلم نیست. بودجه نیست. تنها چیزی که هست، خیال شاگردان به مال تحصیلی رسیده ای است که به مدارسی راه نخواهند یافت. در همان آمار روانه آمده است که آموزش و پرورش ۲۵ هزار رگلس و ۴۰ هزار معلم کم دارد. و در این شرایط کمبود است که حکومت مجبور شده است به مدرسه های خصوصی و پولی دوباره راهی فعلیت دهد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوید که آموزش از ابتداء تا پایان دوره متوسط با بیداریگان باشد. ولی مدیریت آموزش و پرورش تهران به پدران و مادرانی که می خواهند نام فرزندان نشان را در مدرسه ها بنویسند، توصیه کرده است که حداقل ۵۰۰ ریال به عنوان "کمک" به مدرسه ها بدهند.

در حالی که مدیریت آموزش و پرورش جدا قلی برای نام نویسی معین کس کرده، دست دارندگان مدارس خصوصی را در گرفتن حداکثر با زکذا شده است. فعلاً آنان به گرفتن ۱۰ تا ۲۰ هزار ریال به عنوان "حق نام نویسی" اکتفا کرده اند. تا بعد چه پیش آید.

مسئله مخالفت یا موافقت با این احداث مدارس خصوصی و پولی نیست. این راه هر کشوری با بیداریگان و امکان های آموزشی خود معین کند. مسئله در این است که جمهوری اسلامی قدر به اصول مندرج در قانون اساسی خودش بیا اعتنا است.

با این بودن سطح آموزش در مدرسه های که دولت همه چیز آنان را تعیین می کند، حتی از نگاه یک وکیل مجلس شورای اسلامی دور نمانده است. وی می گوید: "من خودم در مدرسه خصوصی درس خوانده ام. اختلاف بین مدارس دولتی و خصوصی را خوب می دانم. سال ها نیز با بقیه تدریس دارم. از همین حال دارم پس استدلال می کنم تا بتوانم دوزخ خود را به مدارس خصوصی بفرستم."

در سرزمینی که چهار میلیون بیگانه را در، در حالی که اکثریت بزرگ کارگران و کارمندان فقط با آنان در یک حد اقل نیازهای روزانه خود را تأمین کنند، چند در مدرسه می توانند فرزندان خود را به مدرسه های خصوصی بفرستند؟ چند در مدرسه می توانند هزینه آموزش آینده فرزندان خود را پس انداز کنند؟

و سؤال آخر این که از وزیر آموزش و پرورش می گوید: جنگ بر دفتر مشق اولویت دارد، می توان توقع داشت برای کمبودی به میزان ۴۰ هزار معلم و ۲۵ هزار رگلس کاری بکنند؟

مسئله گروگان نهایی وقفه و رد زبسان سخنگویان بوده است. رژیم اسلامی همه گونه تلاشی را کرده است تا نشان دهد که شیشه عمر هفت گروگان فرانسوی را که هنوز در لبنان در اسارت به سر می برند در دست دارد. اما، به گفته یک دیپلمات، هرگز در موافقت نامه ۲۲ ماهه قرار بر این نشده بود که رژیم تهران گروگان ها را یکی یکی آزاد کند. این دیپلمات به نمان نمی کند که: تهران می گوشتا فرانسه را در "منطق دوزخی بدهستان" درگیر کند.

روز ۲۹ ژوئیه در پایتخت ایران، ژان کلود تریشه، مدیر دفتر اداوار دیالادور وزیر دارایی و اقتصاد فرانسه موافقت نامه ای را در باب پس دادن یک میلیارد دلار بدهی معروف فرانسه به ایران که در زمان شاه به کنسرسیوم اورودیف و اگذار شده بود، امضا کرد. به گفته بعضی دیپلمات ها، سایدبازرس مالی فرانسه به مذاکره گران ایرانی بیش از حد لزوم اعتقاد کرده بود...

اکنون جمهوری اسلامی برای آزاد سازی دو گروگان دیگر، می خواهد که ژان برنارمون، وزیر امور خارجه فرانسه به تهران برود و شخصاً "ورسا" امضای خود را زیر این سند بگذارد، اما فرانسه این ژست سیاسی را به دلیل آنکه هیچ گونه تضمینی برای آزاد سازی همه گروگان ها بدست نمی دهد رد می کند.

جمهوری اسلامی در ازای چنین سخاوتمندی که از خود نشان می دهد با رد دیگران فرانسه درخواست تحویل سلاح های پیشرفته کرده است. یک دیپلمات در جواب با این درخواست می گوید: حرفش راه هم نزنید. چه به این ترتیب همه حیثیت و اعتبار ما نزد کشورهای عربی خلیج فارس از دست خواهد رفت. تازه ما خودمان با رها گوش شرکت ها بی راکه با تهران قرارداد های غیر مجاز فروش اسلحه بسته بودند، کشیده ایم.

امتیاز های مالی جدید، تحویل اسلحه، آزادی تروریست های زندانی در فرانسه چند موضوع گفت و شنود در پایتخت است. مذاکرات فرانسه و جمهوری اسلامی گرچه با شیوه های جامع تدریجی از زمان سویالیست ها انجام گرفته است اما با تقاضای نامعقول جمهوری اسلامی برخورد کرده است. تقاضا هایی که اگر بر آورده شوند، دیگر چیزی از استقلال و حیثیت فرانسه باقی نمی ماند. و تازه جمهوری اسلامی هیچ تضمینی برای رها بی همه گروگان های فرانسوی نمی دهد.

اکسپرس دریایان می نویسد: بعضی از مقامات دولتی عالی رتبه فرانسه معتقدند که اکنون هنگام آن است که سیاست خود را مورد بازبینی بی رحمانه قرار دهیم. بنظر یکی از آنان: باید بپذیریم که مسئله آزادی گروگان ها

هنه ما فرانسوی اکسپرس در گزارشی برامون وضع گروگان های فرانسوی در لبنان و گفت و گو های پاریس - تهران، می نویسد: دولت فرانسه سبب بدهی خواست های جمهوری اسلامی که منوط تروریسم بین المللی است، کردن نمید. می توان مدعی مسأله را تروریسم بود، اما با منوط گران تروریسم، گفت و شنود سیاسی به عمل آورد.

یک مقام عالی رتبه فرانسوی می گوید: در گفت و گو سرگروگان های فرانسوی اگر زیاده پیش برویم همه جا خواهد گفت که فرانسه، فروشی است. اظهار نظر این مقام فرانسوی، حسن گروانی برخی از مسئولان فرانسوی را در باره "جریبان گروگان های اسیر در لبنان بی گمان می کند.

ژاک شیراک می گوشتا تا با رژیم خمینی که متهم است "زندانبان" واقعی گروگان های فرانسوی در لبنان به همدستی حزب الله است مذاکراتی را برپا به معیارهایی تا زده از نو آغاز کند. به "رقص سایه" میانجی گری های نامطمئن و به تماس های بی ثمر با گروگان گیران خاتمه دهد، به مذاکرات جنبه رسمی و علنی بخشد، و آن را به گفت و شنود یک دولت با دولت دیگر بدل سازد.

در آوریل گذشته آندره روس، مدیر کل وزارت امور خارجه فرانسه، مارک بونفو، مدیر کل بخش افریقای شمالی و خاور میانه این وزارت خانه از پی انجام مذاکرات به تهران رفتند.

سپس علیرضا معیری، معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی به فرانسه سفر کرد و روز ۲۲ ماه مه به گفته یکی از شرکت کنندگان فرانسوی در مذاکرات "خطوط اصلی توافق پاریس - تهران در کساح نخست وزیر فرانسو، مشخص و معین شد"

به گفته این مقام فرانسوی، در برابر اخراج مسعود رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق که در "اورسور" مسکن داشت، قرار شد تهران دو گروگان فرانسوی را آزاد سازد. و این کار دقیقاً همان گونه که پیش بینی می شد، پیش رفت. یعنی روز هفتم ژوئن رجوی "داوطلبانه" فرانسه را ترک گفت و روز ۲۱ ژوئن قبلیاب روشو و ژرژ آنسن، دوتن از چهار روزنامه نگار تلویزیونی کانال دو فرانسه که درست ۸ روز پیش از انتخابات پارلمانی فرانسه در ماه مارس اسیر شده بودند آزاد شدند.

اکسپرس می نویسد: پیام های رادیویی که از تهران صادر شده بود دستور آزادی گروگان ها را به لبنان می داد توسط گیرنده های آمریکا بی شنیده ضبط شد، اما در واقع رژیم تهران از این "استراق سمع" هیچ ناری نبود. از هنگام استقرار ژاک شیراک در مائینون "کاخ نخست وزیر فرانسه" چه در تهران و چه در پاریس

حکومت اسلامی و

تجزیه طلبان ترک

روزنامه "جمهوریت چاپ ترکیه، ضمن اشاره به حضور سید علی خامنه ای رئیس جمهوری حکومت اسلامی، در کنفرانس غیر متعهد در حاره و چاپ همگی از دیدار وی با صمصقزاده، به نقل از مجله "انگلیسی" دفاع نوشت: رژیم خمینی از تجزیه طلبان ترکیه پشتیبانی می کند. خمینی از وجود دموکراسی در ترکیه و همچنین عضویت این کشور در پیمان ناتو به شدت ناراضی است. جمهوری می افزاید: شکی نیست که جمهوری اسلامی قصد دارد تروریست ها و تجزیه طلبان را که موجب تضعیف سیاست داخلی ترکیه می شود، مورد حمایت قرار دهد.

به نوشته "جمهوریت" ترکیه در راه دموکراسی گام برمی دارد و به هیچ وجه به طرفداران انقلاب اسلامی مجال نخواهد داد که علیه نظام اجتماعی این کشور فعالیت کنند.

در اقدامات سیاسی ما هدف درجه دوم باشد نه درجه اول. باید به افشاکاری دولت های دست اندر کار رگروگان گیری و تجزیه بی ملاکردن و اقصیت رفتار رنجگینی که با گروگان ها می شود بپردازیم، باید افکار عمومی را برای دورنمایی ناخوشایند تر آماده کنیم. که شاید به عکس، به این وسیله بتوانیم شانس کوچکی برای باز یافتن هموطنان اسیرمان بدست آوریم. بعضی از خویشان و نزدیکان گروگان ها نیز خود به این نتیجه رسیده اند.

به علاوه دولت فرانسه مشکل بتواند مدعی جنگ با تروریست ها باشد، اما در برابر کسانی که تروریسم را تشویق می کنند، تسلیم شود

اکسپرس - ۱۸ سپتامبر ۸۶

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

دوگفتار از رادیه ایران

تاریخچه‌های رژیم اسلامی

ناگهون هنوز کسی نتوانسته است به این سؤال جواب درستی بدهد که رژیم حاکم بر ایران امروز از کدام نوع است، بنده عیار و دیگر آنا الگوئی که در تاریخ و اسامی مصوب مجلس خبرگان پیش بینی شده، توانسته است تحقیق نیز بپذیرد؟ رژیم امروز حاکم بر ایران (معمولا) نظام استوار و ولایت فقیه است، ولی ولایت فقیه، آن گونه که در ایران اعمال می شود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیامده است، و آن گونه که در قانون اساسی آن آمده است، در ایران اعمال نمی شود. همه جا شکاف میان قانون اساسی و واقعیت رژیم پدید آمده است. در از دست رفتن مشروعیت رژیم اگر هیچ نشانه دیگری هم وجود نداشته، همین یکی کافی بود.

حقیقت این است که در هر قانون اساسی ای عمده "دوگانه هدف وجود دارد: یکی هدف‌هایی که از امروزه فردا قابل دستیابی است، و دیگری هدف‌هایی که گمانش زمان برمی دارد. مثالی نیارم: اگر در قانون اساسی نیاید که بدون حکم مقام‌های قضائی نمی توان وارد خانه کسی شد یا کسی را بازداشت کرد، این از امروزه فردا عملی است، اما اگر در قانون اساسی نیاید که توسعه اقتصادی و خودسندگی از هدف‌های دولت است، این از امروزه فردا عملی نیست. زمان می خواهد، ولی به هر حال دولتی که خود را تکلف بر رعایت قانون اساسی می داند، باید در جهت حرکت کند که در قانون اساسی پیش بینی شده است.

با این مقدمات به این مسئله می رسیم که آیا اقتصاد در جمهوری اسلامی در همان جهت حرکت می کند که در قانون اساسی آمده است؟ اصل ۴۴ این قانون اساسی می گوید که "نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سبب‌دولتی، تضامونی و خصوصی با برنا مهریزی منظم و صحیح استوار است." هفت سال از تصویب این قانون می گذرد. در این هفت سال، برنا مهریزی منظم و صحیح پیش کش، آیا اصولا برنا مهریزی صورت گرفته است؟ به عقیده ما، بهراندشوی، وزیر صنایع سنگین رژیم، برای پاسخ دادن به این پرسش اگر مناسب ترین آدم نباشد، دست کم یکی از مناسب ترین است. او در مصاحبه‌های با روزنامه کیهان جاب خیران (مورخ ۱۶ شهریور) می گوید: "در این زمینه باید مدافعه ای عرض کنم که دولت هیچ برنا مهریزی ندارد... علی‌این که هیچ برنا مهریزی ندارد این است که دولت از خط مشی خاصی اقتصادی پیروی نمی کند... و حکومتی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی روس نیست..."

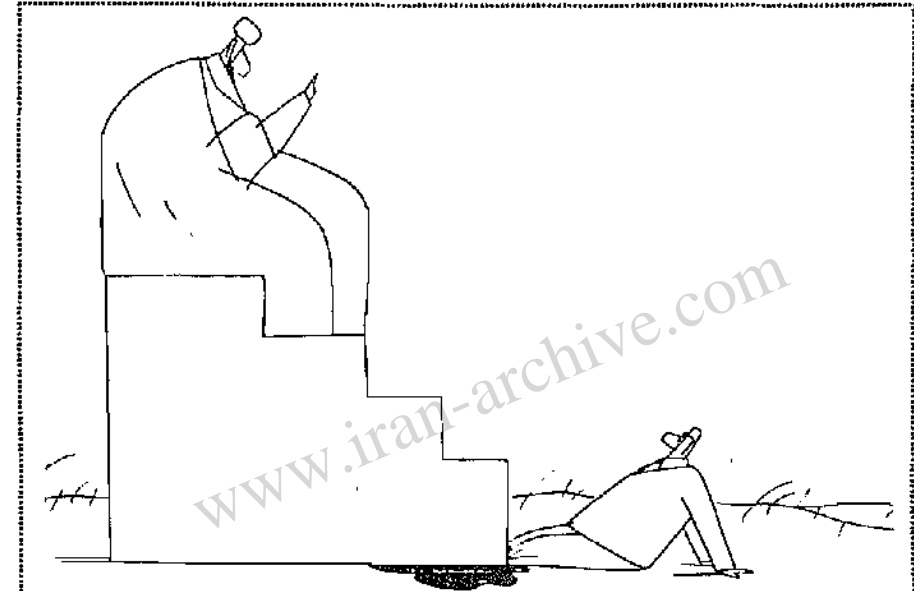
از سبب اقتصادی که در قانون اساسی پیش بینی شده است، فقط بخش

خصوصی است که به سرکانه باز رسیاه هنوز جنب و جوشی نشان می دهد، زیرا در حالی که باز رسیاه را تغذیه می کند به توبه، خود باز رسیاه نیز خوراک می گیرد.

دو بخش دیگر اقتصاد، یعنی بخش دولتی و تعاونی، روزگاری ندا رند که بتوانند ما به حسرت بخش خصوصی باشد. بخش دوم، یعنی تعاونی، هرگز در جمهوری اسلامی بایه و اساسی پیدانکرد و آنچه در بخش دولتی به عنوان صنایع بزرگ و صنایع مادر وجود داشت، در تری کفایتی و جهالت همین دولت چنان ناتوان شده

است که املا نمی تواند نقش هدایت کننده را در اقتصاد ایفا کند. با آن که هدف در جمهوری اسلامی از آغاز این بود که بخش خصوصی و زنه‌ای چنان سنگین بیدان کند که بتواند با بخش دولتی و تعاونی به رقابت بپردازد، املا این هدف و انهداده شده است. نه به این سبب که این بخش بر اساس وظیفه‌ای تولیدی برعهده گرفته است، به هیچ وجه، بلکه بدین سبب که بخش دولتی از کارهایی که داده عیب اجرا می‌تواند است برنی آید.

اگر بخش دولتی به سرکانه صادرات نفت می توانست حضور خود را بر تمام اقتصاد کشور تحمیل کند، از آن رو بود که امکانات مهمی برای سرمایه‌گذاری‌های عمده در اختیارش بود. ولی جنگ، هرچه بیشتر در آمدن‌های از صادرات نفت را می بلعد، امکان سرمایه‌گذاری در جاهای دیگر مدام بیشتر کاهش پیدا



انتظار بزرگ

به میدان اعدام می برد، از نادمانی هلهله می کردند و به او دشنام می دادند. می گفتند: "مرگ بر دیکتاتور، دیکتاتور سرنگون شد!"

سرنگونی رویسیر حوادثی به دنبال آورد که به بر روی کار آمدن ناپلئون انجام مید. از آن پس، ترمیدور در واژه نامه سیاسی به معنای پایان دوره انقلاب و آغاز فصلی تازه آورده می شود. نه تنها در فرانسه بلکه در همه کشورهای ترمیدور را به همین معنی می گیرند. عبدالحمید خدام، معاون رئیس جمهوری سوریه، هنگامی که از یک "ترمیدور" در ایران حرف می زند، خوب می داند چه می گوید. می داند که تغییر بزرگ و بنیادی در پیش است.

شیخ علی اکبر فرسجانی، احتمالاً بی آنکه خودش متوجه باشد چه می گوید، میان سال آخر رژیم پناه و او سال جمهوری اسلامی شباهتی قائل شده است. او البته می گوید محرم سال یا یادآور محرم سال ۱۳۵۷ است و نتیجه می گیرد که امسال، روحیه محرم سال ۱۳۵۷ دوباره بیدار شده است. رئیس مجلس شورای اسلامی ادعا می کند که این روحیه را می توان برای دستیابی به پیروزی در جنگ به کار بست. ولی اگر چنان روحیه ای امسال

فخای سیاسی ایران از یک انتظار بزرگ آکنده است. شاید نتوانند به وقت تعریف کنند که محمل این انتظار بزرگ چیست، ولی همه می دانند که یک دگرگونی اساسی در پیش است. دگرگونی‌ای که بر ریشه‌های رژیم برمی گردد.

عبدالحمید خدام، معاون رئیس جمهوری سوریه، از یک "ترمیدور" سخن می گوید. ترمیدور ماه یازدهم تقویم دوره انقلاب فرانسه است. در نیمه همین ماه، در سال ۱۷۹۳، رویسیر، دیکتاتور انقلابی فرانسه بازداشت گردید و به پای گیوتین برده شد. او یک روز نیرومندترین و در عین حال محبوب ترین شخصیت فرانسه انقلابی بود. قضاوت‌های او، قانون شماره می آمد، هنگامی که برکسی خطا می رفت، دشمنان و حتی دوستانش رعبه ترس می گرفتند.

با این همه، روزی که او را به پای گیوتین می بردند تا نماند لوثی تا زدهم، مانند ما را، مانند آنان و مانند همه انقلابی و ضد انقلابی دیگر فرانسه سر بریده‌اش را به تماشاگران صحنه اعدام نشان دهند، دیگر درهای از آن محبوبیت پیشین وجود نداشت. بعکس، مردم کنکاو و پاریس در مسیر راه‌های که رو به بر در بند را

می کند. تعطیل کارخانه‌های دولتی یا وابسته به دولت، نشانه‌های رژیم ورشکستگی اقتصادی است.

دولت با اتکا به در آمدن و ذخیره ارزشی مهمی که از رژیم گذشته برایش مانده بود، می توانست به عملیات اختناق خود مانند دادگاه‌های انقلاب مستقر در شهر داری و اتاق اصناف و غیره اجازه دهد که با زرگان بخش خصوصی را در انتظار همگان به تخته شلاق بینداند و تا زیانه بزنند. می خواست از این راه از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند، ولی تا زیانه در اینجا کمتر از هر جای دیگری ناهیر خود را نشان داد.

راستی هیچ متوجه شده‌اند که مدتی است در روزنامه‌های رژیم دگرگونی از تاریخانه زدن به گران فروشان و محترمان نیست؟ آیا گران فروشی و احتکام را از بین رفته است؟ یا حکومت اسلامی جهره‌ای ملایم و انسانی تر پیدا کرده است؟ هیچ کدام.

واقعیت این است که دولت، در انباشتن ذخیره ارزشی و با بین آمدن قیمت نفت و نرخ برابری دلار، دیگر نمی توان دخالتی از عدم فعالیت بخش خصوصی را برگزید. بخش خصوصی هم این را خوب فهمیده است و می گوید حداکثر سود ممکن را از این ناتوانی مالی دولت ببرد.

اکثریت جامعه، یعنی طبقه متوسط و پائین متوسط، رنج می برد، اقلیت دست اندر کارها را رسیاه بولداری می شود، دولت تا زیانه‌ها را به پیش راه می آویخته است. رهبر حاشی است و فقط نظاره می کند.

دوباره پیدار شده بود، رژیم خمینی اصلا هیچ نیازی به جنگ نداشت. دستیابی به ما جراحی‌های خون کروگانگیری، جنگ و تروریسم، درست بدان سبب است که رژیم خمینی دیگر هیچ پایگاه استواری در جامعه ندارد و نمی تواند یک روحیه شورش را بیدار کند.

رژیم خمینی به هردری می زند تا برای آن چیز طبیعی که از دست داده است، یک جانشین ساختگی درست کند. تروریسم و ادا به جنگ با پدجای خالی مقبولیت از دست رفته را برگزید.

اما انقلاب اسلامی ایران، اگر چه از بسیاری جهات از انقلاب‌های دیگر تاریخ متمایز است، شباهت‌هایی با دیگر انقلاب‌ها نیز دارد. از جمله همین شباهت‌ها اینک نمی توان آتش آن را برای همیشه تا بان نکاه داشت. از جمله اینکه موج شیفتگی همگانی، به همان نسبت که فرومی نشیند، جای به موج سرخوردگی همگانی می سپارد. و در جریان همین فروکش کردن شعله‌های آتش انقلاب است که زمینه برای یک "ترمیدور" مهیا می گردد.

خمینی را شاید با رویسیر فقط از این جهت بتوان مقایسه کرد که او نیز مانند رویسیر سوار بر موج یک شورش همگانی به قدرت رسید. ولی رویسیر را در



ژرژ عبدالله آزاد نخواهد شد

آیا دولت فرانسه در آزادی ژرژ عبدالله تروریست لبنانی که " کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاور میانه‌ای " به خاطر او دردها و خیرباده فقیر خرابکاری در پاریس به جرم گذاشته است، دچار تردید است؟

ظاهراً " با بالارد مطالبات و تفسیرهایی که اینجا و آنجا طبع می شود، این تصور پدید می آید که دولت فرانسه در آزادی ژرژ عبدالله که نتیجه از محکومیت چهار سال زندان را به سر آورده است، مردمانده است. اما حقیقت این است که ژاک سیراک هرگز به آزادی این تروریست نیا ندمتیده است و برای این عزم قاطع خود یک بار دیگر روز ۱۶ سپتامبر استواری ورزیده است. قاطعیت نخست وزیر فرانسه مبتنی بر دلالت استحکام است.

ژرژ عبدالله در آس زمان تروریستی (سوری مسلح انقلابی لبنان) قرار داشت و در اهمیت او این پس که تروریست های سازمان برای آزادی وی از نامی نشینند. در نتیجه یک مخفی گاهش در پاریس، کوچه لاکروآ، صدها بسته مواد منفجره، جاشنی انفجار، فرستنده و گیرنده، آرمی، جیبی ۷ و مسلسل های دستی کشف شد و مسلم این تجهیزات همه ذخیره آن ها نبود. علاوه بر این، ژرژ عبدالله اعتراف کرد که " کمیته همبستگی با زندانیان عرب و خاور میانه ای " و " نیروی مسلح انقلابی لبنان "، هر دو یک سازمانند و دوستان تروریست ژرژ کشته آزاد مانده اند، پس از دستگیری رهبرشان به عملیات تروریستی و خرابکاری برای آزادی او پرداختند تا با فشار

ایتالیاهدف تروریست ها

کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاور میانه یعنی ایتالیا را از هرگونه اقدام خصمانه علیه ژرژ عبدالله که اکنون در فرانسه زندانیست بر حذر داشت.

این هتدای در صورتی فردی ناشناس که تلفنی با یک خبرنگاری خارجی در بیروت سخن می گفت داده شد. تلفن کننده ناشناس خطاب به ایتالیا گفت بسیار ساده است که ما موج خونی را که در خیابان های پاریس به راه انداخته ایم در خیابان های ایتالیا هم برادر بیندازیم.

با آآوری می شود که ایتالیا هشتم سپتامبر جاری از فرانسه خواستار استرداد ژرژ ابراهیم عبدالله شده بود.

خبرگزاری فرانسه - ۱۷ سپتامبر انفجارهای پاریس رفیق دوست متهم است

راديو فرانس انتر در برنامه اخبر صبح امروز ۱۷ سپتامبر گفت که مقامات امنیتی فرانسه به این نتیجه رسیده اند که سوء قندهای دو هفته گذشته پاریس از حدود توانائی یک گروه تروریست خارج است و احتمالاً " دست یکسانی از دولت های تروریست پروردگار است. روزنامه لیبیراسیون در این زمین

می نویسد: که مقامات اطلاعاتی فرانسه احتمال دخالت لیبی و سوریه را رد می کنند و به نظر می رسد که یکی از گروه های رقیب، در داخل جمهوری اسلامی که مخالف عادی شدن روابط ایران و فرانسه است به تحریک رقیب دوست و وزیر ساها ساداران پشت این سوء قندها و بمب گذاری ها قرار دارد.

حمام خون در قلب پاریس

براشانفجار یک بمب در سراسر فروشگاه تاتی در خیابان رن در پاریس، در ساعت هفده و نیم روز ۱۷ سپتامبر چند تن کشته و ۵۲ تن مجروح شدند که حال پنج تن از آنان بسیار وخیم است.

در میان کشته شدگان و مجروحان، زنان و اطفال نیز وجود دارند. یکی از خبرنگاران هفته نامه " لوبوشن " که دفتر آن در نزدیکی محل حادثه قرار دارد در محل انفجار گفت: شدت انفجار بسیار قوی بود. تمام شیشه های مغازه های اطراف خرد شد و در فضا پخش گردید. صدای فریاد زن ها و بچه ها فضا را پر کرده بود و خون همه جا دیده می شد. مجروحانی را که حالشان وخیم بود، در پیاده روی جلو مغازه تاتی روی زمین خوابانده بودند و من لحظاتی مرگ آنان را به چشم می دیدم.

یک شاهد عینی دیگر که آبا رتمائش روبروی فروشگاه تاتی قرار دارد، گفت: من در خانه بودم که صدایی مثل رعد

در دولت فرانسه، عبدالله را نجات دهند.

گروه ژرژ عبدالله فعالیت بین المللی دارد. در ایتالیا نیز دست به اقداماتی زد که دو تن از یاران گروه آنجا زندانی شدند، و مخصوصاً " این گروه چنان قدرتی دارد که به آسانی در لبنان یک فرانسوی را سگروگان گرفت تا این فرانسوی را با عبدالله معاوضه کند. مذاکرات مربوط به این معامله به وسیله یک دولت خارجی با دولت فرانسه انجام می شد.

برای سازمانی که اغلب اوقات بعنوان یک بنگاه کوچک خانوادگی جنسایت معرفی شده است، این عملیات مهم است، پس چون ما رئیس سازمان را بدست آوردیم، او را نگاه می داریم.

نظر دولت فرانسه عوض نشده است

شاید یک دلیل می توانست به نفع آزادی عبدالله بکار گرفته شود و آن امکان ارتباط سرشوش است او با گروه های فرانسوی اسپر در لبنان است. این دلیل در ابتدای امر باعث شد تا دولت فرانسه موضوع آزادی عبدالله را در ازای رهایی گروه گانجای فرانسوی، در مذاکرات با تهران دخالت دهد. اما چنین راهطای وجود نداشته و مسئولان جدید سیاسی فرانسه خیلی زود پس از رسیدن به قدرت، این حقیقت را دریا نند.

ژاک خیراک از ماه ژوئیه گذشته موضوع

برخاست و شیشه های ساختمان خرد شد و خرده های شیشه همه جا را بر کرد. یک لحظه احساس کردم که زیر یک بمباران هوایی قرار گرفته ام. مردم را می دیدم که سراسیمه به اطراف می دویدند. گویی از برابر یک بمباران هوایی فرار می کنند. چندین بر روی پیا در روزا نوزده و بیست می کردند. یک زن را دیدم که باها پیش قطع شده و نصف صورتش از زمین رفتنه بود. هر طرف آدمهایی با سروروی خون آلود به چشم می خوردند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۷ سپتامبر ۸۶

سوریه دلال جمهوری اسلامی

منابع نزدیک به ژنرال "مطفی طلاس" وزیر دفاع سوریه اعلام داشته اند که سوریه هم اکنون سرگرم مذاکراتی با مقامات بلندیایه فرانسوی بسیاری خرید حدود ۲ میلیارد فرانک اسلحه از فرانسه است.

هفته نامه فرانسوی می نویسد: سوریه مایل است از فرانسه هلیکوپترهای جنگی از نوع " سویرپوما " و تانک های آ. ام. ایکس-۱۳ به صورت نقدی خریداری کند. همین منابع به خبرنگار "لوبوشن" گفته اند که سوریه قرار است این سلاح ها را به حساب جمهوری اسلامی خریداری کند و مقصد نهایی این سلاح ها جمهوری اسلامی آیت الله خمینی است و نه سوریه.

لوبوشن - ۱۵ سپتامبر ۸۶

شخصیات مجازات عبدالله را که از ۲۵ اکتبر ۸۴ در زندان است و به ۴ سال زندان محکوم شده است، با مشاوره با مقامات قضایی رد کرده. از آن پس اس مخرج گیری اصلی نخست وزیر علیرتم جملات پراکنده و اطنافرها عوض شده است.

علاوه بر آن، دولت فرانسه با مقامات قضایی، اگرخواهند ژرژ عبدالله را سه علت دخالت و نقض وی در میل کلید ری امریکایی و دیپلمات اسرائیلی - با ریسمان تنوف (که مردوی آن ها سه سال ۱۹۸۲ به دست تروریست های "سوری مسلح انقلابی لبنان" در پاریس - قتل رسیده اند) به محکمه جنایی بفرستند، مخالفتی ندارد. (۰۰۰)

قاطعت دولت و محتوای سرورده امروز این فکر را بدو خود آورده است که ژرژ ابراهیم عبدالله ممکن است سروروی در سراسر هیأت تصفه محکمه حسابی (بعنوان متهم در میل یک امریکایی و یک اسرائیلی) قرار گیرد. در این صورت این هیأت تصفه است که سروروی دلایل و اسناد جمع آمده به وسیله ماه موران تحقیقی تصمیم خواهد گرفت. ... از لحاظ قضایی اما ما انسان تروریست ها نباید با او هم تسوسه. زیرا در مورد انسانی که کار ریحسان هیأت منصفه به طور قانونی بد عمل نشان داده است.

لوکوئیدین دویاری - ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۶

محموله جنگی اسرائیل برای ایران

شنا به گزارش خبرنگاری فرانسه یک ملوان دانمارکی قاس باخت که در بیست ماه گذشته یک محموله مهم اسلحه توسط کشتی دانمارکی " آرنیک بی " از اسرائیل وارد ایران شد.

به گفته این ملوان، که برین سورس نام دارد و خود جزو خدمه کشتی آرنیک بی بوده است، محموله مذکور در بندر اسرائیلی ایلات بارگسری گردید و دو اژده روز بعد، در بندر " ریگ " واقع در نزدیکی بندر عباس تحویل مقامات جمهوری اسلامی داده شد.

برین سورس همچنین اظهار داشته است که اوری و مدارک مربوط به آن محموله که شامل مهمات و مواد منفجره بوده است تماماً " حطی و بارگسری نیز به صورت بسیار محرمانه و مشکوک انجام شده بوده است. به گفته این ملوان، مقامات ذینفع حتی اسم کشتی را برای ردگم کردن، تغییر داده بودند. خبرنگاری فرانسه سفل از مقامات شرکت کشتیرانی " الیت " که صاحب کشتی مذکور است، می نویسد: این نوع حمل و نقل کاملاً قانونی است و به جز کشور آفریقای جنوبی، تحویل دادن اسلحه به سایر کشورها آزادی ماست.

خبرگزاری فرانسه - ۱۷ سپتامبر ۸۶

نامه‌ها و نظرها

جانب تمام با مناسبتی را به ما نوشتن های جوابندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و برداشت های شخصی نویسندگان نامه ها است و لزوماً به معنای موافقت و همرازی ارگان مرکزی نیست. مطالبی از سوی نویسندگان نامه ها نیز گاهی نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یادآور شوند تا نامان محفوظ بماند. انزوی برای، از جانب نامه ها کسی که در آن ها نسبت به انجمن و گروهها هتک حرمت شود و یا عقاید و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه ها از ما است.



روز غم انگیز

در شماره ۱۶۵ - ۲۵ مرداد ۶۶ آقای بزرگ زاد زیر عنوان: "یروسی از آقای نوادروخانی، کدام نارفاشی عمومی؟" مطالبی مرفوم داشته اند. بنده که به هر دو آقایان ارادت دارم مناسبت ندیدم چند سطر از مقاله ایی را که چندی پیش تحت عنوان "شهادت به حقانیت جبهه ملی نوشتن در اینجا بیاورم، اگر صلاح می دانید در قیام ایران چاپ کنید.

با این توضیح که بنده در مرز ۷۰ سالگی بصری برم ۵۰ سال در میان مردم بوده ام و با انتخابی شغلم هم با تحصیل کرده ها و هم با مردم کوچ و با زار در تماس بوده ام و آنچه در زیر از تجربه ایران آزاد نقل می شود خود شاهد آن بوده ام.

الف) آوار - ۷ شهریور ۶۶ " روزی که دکتر محمد کا سینه خود را از جبهه ملی تشکیل داد و اعضای دولت خود را معرفی نمود چنان شوق و بیایکویی در تمام خیابان ها و خانه ها و خانواده ها برپا شده بود که تا آن تاریخ هیچ عیدی و جشنی را ندیده بودم که مردم این قدر ما دقتا به یکدیگر تبریک بگویند.

و همچنین من روز سقوط دولت دکتر مصدق را بسیار دارم، در میان مردم بودم. با این که در آن وقت دولت دکتر مصدق به واسطه تحریم خرید نفت از طرف دولت انگلیسی مضیق شده مالی بوجود آمده بود و بیشتر فشار هم متوجه شرکت در آمدکنسور بود و مخالفان هم تبلیغ میکردند که سقوط دکتر مصدق موجب گشایش محسوس امکانات مالی مردم خواهد شد. با این همه بهنگام اعلام سقوط کا سینه دکتر مصدق، مردم شهردرک عزای عمومی فرورفته بودند، و من هرگز در مراسم چنین غم و ناراحتی سراسری را ننگرد مردم به یاد داشتند.

اقتصاد مودی

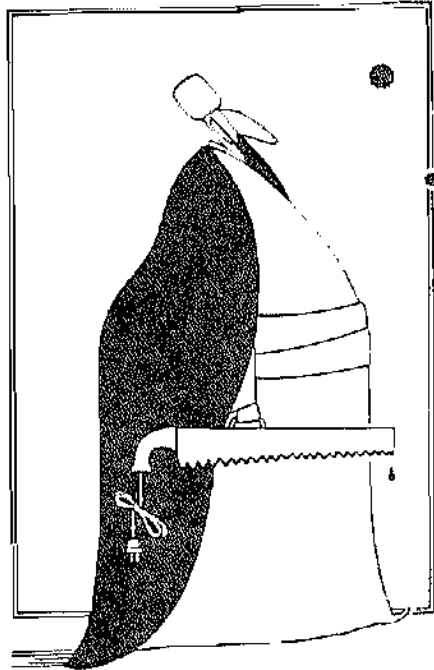
برای درک و خاست و وضع احتیاج به تعمق و تفحص نیست. زندگی روزمره مردم منعکس کننده مستقیم وضعیت است. اقتصاد مملکت از هم پاشیده و وضع بحرانی است. در داخل دستگا دولت هم این موضوع از طریق بحث ها و تخریهای خود مسئولین معلوم می شود. بخوبی

مشخص است که همه مسئولین تازه فهمیده اند که ساختن اقتصاد یک مملکت با یک شخص و معلوم شدن بودی اهرج و مرج نیست. توان مدیریت کرد. تضادی که از چند سال قبل حرف آن زده می شد و زمانی بوده ای ها به آن دامن می زدند، یعنی تضاد میان جناح جوار است در بطن دولت، الان خیلی واضح تر به چشم می آید. نماینده های مجلس و بعضی آخوندها مریخا " به این مسئله اشاره می کنند. عزت الله سعابی هم در حرف ها اشاره کرده که یک جناح می خواهد همه امور را بدست دولت بدهد. و جناح دیگری خواهد بود باری اقتصادی و با زار آزاد را حاکم کند. شاید بحران فعلی اقتصادی این تضاد را تشدید کرده باشد. چون دولت فهمیده که باید به اوضاع عظیم دهد اما فی الواقع نمی داند چه نوع نظامی و چگونه.

اما در این میان در عمل ساختن اقتصاد مملکت چیست؟ شاید بتواند اقتصاد فعلی ایران را اقتصاد بازاری یا اقتصاد مودی یا خیلی ساده تر اقتصاد دزدی نام گذاشت. بطور قطع می توان گفت که مملکت ایران در حال حاضر بر اساس دزدی، کلاهبرداری و تبادی می چرخد. این اغراق نیست. از زندگی فقیرترین قشر گرفته تا قراردادهای دولتی، همه این موضوع را بخوبی نشان می دهند. نوعی اقتصاد حیوانی و درنده بر مملکت حاکم شده است.

بنظر من البته این نظام اقتصادی در ایران نوعی سنت است. یعنی سالهاست که با زاریان به همین کارها اشتغال داشته اند. احتکار، دلالی، مال بکدیگر را خوردن و به هیچ نوع اخلاق با قراردادهای بند نبودن، اصول این اقتصاد است. مسئله اینست که مثلاً در زمان شاه این اقتصاد مودی در همان حوره های با زار با صره شد و به حال ایران وارد نظام اقتصادی بین المللی شد و به یک سلسله قراردادهای جهانگردی گذاشت. اما در حال حاضر ایران بطور رسمی جای مشخصی در نظام جهانی اقتصاد ندارد و ساختی که در داخل مملکت حاکم است یک نظام کم و بیش بسته است.

شاید همین موضوع باعث شده که آن اقتصاد با زاری مثل موش های گرسنه از سوراخ آزاد شده و به بیلبعدن هر چه که در سر راه هست پرداخته. از طرف دیگر چون با یه و اساس خراب است و اوضاع بحرانی، طبیعی است که میزان فساد با لای رود و جریان کثیف آن



اقتصاد مودی را سریع ترمی کند. هما نظر که گفتیم حا مقام ایران در دنیای اقتصادی امروز مشخص نیست و شرکت ایران در نظام بین المللی بر اساس بنیانکاری و تقلب و با زاری است. مسائل خرید و فروش نفت و اسلحه و قفایای دیگر را خود شما بهتر می دانید.

همین شرایطی می توانی به زندگی عامه مردم تعمیم بدهی. عملاً مستود گفت که امروزه زندگی هیچ کس از طریق درست و قانونی نمی گذرد (و این مسئله از دوسال پیش حلی شدیدتر و عمومی تر شده). همه در کار دزدی و قاچاق و سوء استفاده اند. یکی نواری و بیکرانه می دهد، یکی تریاک می فروشد، یکی آجر و سرامیک احتکار می کند، یکی عرق می گیرد و خلاصه دامن همه کس آلوده است. مثلاً " بول یکدیگر را خوردن کار بسیار عادی و معمولی شده.

دست کسی هم با کسی سندنست و عجب اینست که مسئله دگر قبح جنسانی هم تار و خلی زود در امر این می شود.

آیا رژیم از این وضع خیر ندارد؟ مسلماً در جریان همه چیز هست اما واقعیت اینست که تنها ساختن اقتصاد که از دست این دولت برمی آید همین وضع فعلی است. بدون شک اگر دولت بخواد این وضع مقاله کند و خود را کند است، یعنی در واقع تنها راه رزی روزی مردم را بسته است.

تهران - ۲۶ مرداد ماه ۶۵

را دیو ایران ساعت های جشن برنامه

برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوئینا، رادیوهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۵۸۵ تا ۱۵۹۲ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۲۱۷۰ کیلوهرتز).
برنامه دوم
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوئینا، رادیوهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوئینا رادیوهای ۲۱ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۲۱۷۰ کیلوهرتز).

حزب سوسیال دمکرات انگلستان

و خلیج فارس

در نشست عمومی حزب سوسیال دمکرات انگلستان، به پیشنهادی از مرکب کنندگان، حکم جمهوری اسلامی عراق و ولزوم استخراج در منطقه مطرح گردید.

در پی سرکازی تکلیف احتمالی با مرکب عدای از نمایندگان حزب سوسیال دمکرات انگلستان و گروهی از اعضای نهضت نظامی ایران سازماندهی انگلستان در ورود و توسعه اساساً بر یکسای از نمایندگان این حزب موضوع حاکم حسین بن حکم جمهوری اسلامی عراق را در کنفرانس عمومی حزب سوسیال دمکرات کد در روز ۱۷ سپتامبر برگزار شد، مطرح کرد و ضمن اشاره به کسار جوانان و کودکان در این حکم به پیوسته، خواستار اقدام تحویل سلاح به طرفین محاربه شد.

اوقات تلخی

جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱
سازندگان کرات مراوان بن هستند های فرانسوی و جمهوری اسلامی. بر اساس قرارداد سحای ۱/۵ میلیارد دلار، ۷۵۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی پرداخت شود، اما هنگامی که قرارداد فرانسوی اولین قسط ۳۵۰ میلیون دلاری را به جمهوری اسلامی پرداخت کرد، اولس مکتی بروز کرد. فرانسوی در مقابل حواسار آزادی همزمان سحای گروگان های فرانسوی در لبنان بود، این شرط مورد سند جمهوری اسلامی قرار گرفت و سخته که در آخرین لحظه یکی از فول های دولت فرانسه انجام شد و آن فرانسوی جنگ افزاری به جمهوری اسلامی بود. بحران جدیدی در رهنمایی در اوایل خرداد ماه که فرانسه را متهم به تروریسم و دروغی کرد دیگر سردی در اوقات تلخی جمهوری اسلامی با می گذاشت.

لیبرالیون می نویسند: جمهوری اسلامی دلیل دگری هم برای نارفاشی از فرانسه دارد. رژیم پهلوی که در سال ۶۶ جنگ از لبنان افتاده و با بی بولی شدیدی دست به گریبان است مایل است جنگ با عراق را هر چه زودتر ایتنه با همان شرط قبلی یعنی سقوط رژیم عراق به نفع خود ختم دهد. جمهوری اسلامی با حمله به نیروهای حافظ صلح فرانسوی در لبنان سعی دارد به فرانسه فشار وارد کند که دست از حمایت خود از عراق بردارد. با زکدن جبهه دومی در لبنان، برای جمهوری اسلامی توسعه دیگری نیز در بر دارد. بهانه ما رزه با " صهیونیزم " در جنوب لبنان برای رژیم تهران این امکان را فراهم می سازد که چنانچه در حمله سرنوشته با زین علیه عراق بجاشی نرسید، حربه جنگ علیه صهیونیزم و فرانسه را در لبنان بپاشد کند و جنگ را بدون آبروریزی زساد در مرزها پیش با عراق را کندازد. لیبرالیون - ۲۵ سپتامبر (به خبر دیگری در این باره در صفحه ۱۱ توجه فرمائید.)

وجه تسمیه کودتا

نخستین کودتای ۲۸ مرداد دونا مستعار داشت انگلیسی‌ها که اولی طرح کننده آن بودند...

بها نه " خطر کمونیسم "

شردیدی نیست که موفقیت دولت انگلیس در حلقه موافقت دولت آمریکا با براندختن دکتر مصدق...

نیز " سر سم فال Sir Sam Falle " که همسراه یوده‌ها و به او انگشتن رفت چینی می گوید: (۱)

کتاب " ناسیونالیسم در ایران " که در فیلم " پایان امپراتوری " شرکت کرد نظرخود را اینگونه اظهار نمود:

" احساس من در آن موقع این بود - و هنوز هم همین است - که انگلیسی‌ها می دانستند امریکایی‌ها تا حد درموضوع کمونیسم دچار پارانوئیا (بیماری روانی " Paranoia) هستند آن روزها

زمانی بود که سناتور جوزف مک کارتی (Joseph McCarthy) کمیته فعالیت‌های ضد امریکایی را زیر نظر داشت و انگلیسی‌ها مستعداً از حالت روحی امریکایی‌ها استفاده کرده تا آن را به کودتا آلوده کنند" (۲)

عفت با دگی نسبی و خوش باوری امریکایی‌ها با عت شد که اظهارات انگلیسی‌ها را با دایره‌های بزرگ قضاوت فقط جلوگیری از نفوذ کمونیسم است باور کنند. یک دلیل سراسر مطلب این است که در جلسه مشورتی ۲ دسامبر یکی از آن‌ها پیشنهاد کرد که دولت انگلیس بهتر است هدیه را بجای برکنار کردن مصدق سست کردن زیربای کا کاسنی و هواخواهان چپ‌گرای او قرار دهد، زیرا آن‌ها هستند که نمی گذارند او علیه حزب توده اقدام کند.

وودها وی می نویسد: این یک نمونه از طرز فکر بوج ولی زیرک نامی مخصوص امریکایی‌ها بود که هنوز تصور می کردند می توان مدتی رانگاه داشت و اداره کرد و از عواقب سقوط

لژاد روحانی

۴۹

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

کودتا به روایت ماهور سبا

اومی ترسیدند. اما جواب نمایندگان انگلیسی که جواب درستی هم بود این بود که سازمان مادر جهت پشتیبانی از مصدق عمل نخواهد کرد و در حال توده‌ای‌ها آنقدر قوی هستند که نمی شود با اینگونه عملیات جلو آن‌ها را گرفت.

آغا زمر حله نهایی کودتا

این مرحله با برقراری حکومت جدید (جمهوریخواه) آمریکا آغاز شد. هر چند طی جلسه مشورتی ۲ دسامبر (۱۱ آذر ۱۳۳۱) موافقت امریکایی‌ها با طرح دولت انگلیس معلوم شد. ولی نمایندگان امریکایی اظهار رکود قطعی شناختن طرح موکول به تصویب آن از طرف دولت جدید خواهد بود.

اما در همین مدت درواشتگتن ملاقات‌ها و مذاکراتی بین نمایندگان دودولت در جهت عکس یعنی در پیشبرد طرح توطئه صورت می گرفت. وودها ویس موضوع را اینگونه شرح می دهد: (۵) هنوز دستورهای ما به برادران نرسیده بود که ناگاه طرح چکه با آژاکس دوره زنده شد و این تا آن اندازه‌ای بدون امریکایی‌ها بود. تا آن اندازه‌ای هم مدیون خود مصدق. اما کار به آن سرعت که من می خواستم پیشرفت نکرد چون ما امریکایی‌ها هنوز در جهت نا هماهنگ عمل می کردیم. وقتی در ماه ژانویه ۱۹۵۳ آژاکس در

رئیس جمهور جدید به کار مشغول شد جان فاستر دالس به سمت وزیر امور خارجه و آلن دالس به سمت رئیس سیا منصوب شدند. به این ترتیب با زهم یک جفت برادر در این کار درخیل شدند و هم آن دو هم برادر اسیت معاون وزیر امور خارجه (که قبلاً رئیس سیا بود) بطور روزافزون به طرز علاقه‌مند می شدند.

روزولت نیز در کتاب خود (۶) به این جلسات اشاره می کند و ضمن مطالب دیگری از جمله اظهار رضایت از انتخاب خود برای فرماندهی عملیات، می گوید: انگلیسی‌ها دلایل لیاقت عمال عمده خود را شرح دادند و نظریاتشان را در باره ارتش به اس و صفا بیان کردند که محدودی از سران ارتش طرفدار مصدق می باشد ولی همه افسران و درجه داران رکارمندان نظامی به شاه وفادار هستند.

روزولت ضمن شرح بقیه مذاکرات می گوید: در موضوع تعیین جانشین دکتر مصدق من گفتم هر چند ما مستقیماً با شاه تماس نداشته‌ایم ولی از طریق اشخاصی که به او نزدیک هستند می دانیم که نمایان او به ژنرال فضل الله زاهدی است. نماینده انگلیس از شنیدن نام او اظهار تعجب کرد و گفت، لازم است در این موضوع لندن مراجعه کنیم. اما یک لحظه بعد گفت: " اگر شما و ایرانی‌ها این انتخاب را لازم می دانید متأسفانه اینست که ما چاره‌ای نداریم. و چون از نگاه می که به من کرد معلوم بود منتظر جواب است من گفتم همینطور است.

وودها ویس موضوع انتخاب جانشین دکتر مصدق را به این شرح بیان می کند: (۷) من موافقت وزارت امور خارجه انگلیس را با یک لیست با سزده نفری رجال سیاسی نامزد نخست وزیرری جلب کرده بودم که هر کدام آن‌ها که مورد قبول امریکایی‌ها واقع می شد برای ما هم قابل قبول می بود. این لیست از سه طبقه تشکیل می شد که ما آنها را با یکا سردی یک عنوان یا زیربای نامزد کنیم و با دندو و با دندو میانه می خواندیم این طبقه سوم شامل ژنرال فضل الله زاهدی بود که بزودی در طی مذاکرات معلوم شد از همه بیشتر مورد قبول مقامات سیاسی هر دو دولت انگلیس و امریکایی خواهد بود. من بیتی از اخبار جمان از تهران با او تماس داشتم و واضح بود که بعد از زیمیت ما امریکایی‌ها هم با او در ارتباط بودند. انتخاب او یک جنبه طعن آمیز داشت. چون در زمان جنگ دوم عامل آلمان ها شناخته شد و عملیاتی برای برودن و زجران خارج کردن او به وسیله فیتزروی مک لین (Fitzroy Maclean) ترتیب داده شد اما حالا ما همه به او روی آوردیم که با مال ایران را از خطر بلوک شوری نجات دهد.

به طوری که در بالا گفته شد وودها ویس احیاء طرح توطئه را تا اندازه‌ای نتیجه روش خود دکتر مصدق می دانست. همین نظردر کتاب " پایان امپراتوری " شرح زیر بیان شده است: (۸) " مصدق بر طبق اصولی که حزب توده ترویج می کرد می خواست تجارت را ملی کند و به زن ها حق رای بدهد و حال آنکه هر دو اقدام مخالف اسلام بود. یک وکیل متدین کشف کرد که دکتر مصدق در ساله دکترای خود کرده بود و پنج سال پیش در سوئیس نوشته بود بسیاری نظریات مخالف با حکومت دینی اظهار کرده بود. ... حال مصدق علما، طرفداران قانون اساسی، شاه و قسمت زیادی از سازمان لشکری و کشوری و همچنین انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها را به سمت یک اتحاد موقت سوق می داد. توده‌ای‌ها در برابر این مخاطرات حسن ظن او را نسبت بخود جلب کردند. زیرا آن‌ها حزب ایرانیان جوان و هوشمندی بودند که می خواستند کشور را از سلطه غرب‌رانی‌ها نجات دهند. نفوذ مذهبیون را که باعث باقی

نفی حکمت مکن

از بهر دل عامی چند

بقیه از صفحه ۷

با درست نیست، لیکن نتیجه گیری کلی او غالباً "لنگان" است. علت های دیگری آن است که تفاوت ها اکثر از روی مصالح آتی و شخصی شکل می گیرد، و این نسیب ناشی از همان وضع اجتماع می باشد است که هر کسی را وادار می سازد تا همه حواسش معطوف به حفظ موقعیتش باشد. یعنی در واقع کارگاه مغزیش برگرد زره دفاعی بکار افتد که او برای حراست از خود برتن کرده است.

روی همین اصل است که کار دست جمعی آن قدرنا موفق بوده است. شما به تنگ تک افراد دیر می خورید که دارای حس نیست، توانایی و استعداد دهشت، ولی همین عده چون در یک انجمن یا حزبی به منظور پیشبرد هدف معینی جمع می شوند، کمترین کاری از پیش نمی برند. همه این تقیحه ها ناشی از زندگی در جامعه ناساکن و ناقدا نون و نایب است که چون طی قرون متمسکادی ادامه یافت، به صورت طبیعت قومی درمی آید.

افراط و تفریط که ممیزه دیگر ایرانی شده است او را از اعتدال که لازمه زندگی آرام و بارور است دور کرده. این حالت با او را در رکود نگاه داشته است. با این حال جبهه های ننگان دهند. هر دوران رکود، تکان به دنبال خود می آورد، و هرنگان، با زوری به رکود می برد. افراط و تفریط، چدرافراد دوچهره در ملت، موجب گشته است تا احساس ها و اعمال ها در خارج از موضع خود حرکت کنند، و حب و بغض، دوشیک همیشه حاضر در صحنه قضاوت ها باشد. فردی جمعیتی که دستخوش افراط و تفریط است، با ستمش می شود بسیار ستمگر، یا سردرگریان فرومی برد و بارک هسی کردن را کلفت می کند، و تا به اعتدال نمانده، ایسین تناوب زورگفتن و زور نشیدن از او دور نمی گردد.

متکلم دیگر لااقل در پنجاه سال اخیر - منبعت از فاصله میان طبقه "خواص" با عامه مردم است - هیچ گاه در تاریخ ایران یک چنین جدایی عمیق احساس نمی شده است. از زمان برخورد تمدن غرب، یک قشر بسیار و درس خوانده و فرهنگی مات در ایران پیدا شدند که بسیار با تفرعن و ستمگلی و بی اعتنائی به عامه مردم نگاه می کردند و خود را تا فتنه جدا فتنه می دانستند، نظیرنگاهی که فی المثل بنی امیه نسبت به موالی و عجم داشتند. این طرز دید، عقیده و کینه بی نهایتی در مردم ایجاد کرد، تا بدانجا که به همه مظاهر علم و ادب و فرهنگ و پیشرفت رسید. حقیقت این است که روشنفکران یا با اصطلاح قدیمی تر "طبقه فاضله" (که دستگاه حکومت نیز از آن ها

منشعب می شد) در دوران اخیر، بخصوص این سی چهل ساله، بدترین رفتار را با مردم داشتند. آن ها را به تمام معنی "عوام کالانعام" انگاشتند، که حقیقی اضافه تراز حق "خریدن" و "بارکشیدن" ندارند.

عیب ها بی که آقای جمال زاده برای جامعه ایرانی بر شمرده و از اینجا و آنجا شاخه ها بی برای جمع کرده اند، تمام و کمال شامل این طبقه می شود. البته در مورد آن ها هم ضعف و شدت هست و عده ای از روشنفکران آبرومند و خوب را نمی توان استثنا نکرد. ولی با چند گل بهار نمی شود. این لکه سنگ برداشتن "روشنفکر-مآبان" ایران افتاد که عده ای از آنان به مقصد "افتخار آمیز" وطن در جمدان "موصوف شونده"، و اینان، وعده ای از قماش اینان تنها بی از طرد از وطن متوجه شدند که کشوری به نام "ایران" می توانسته است بر روی نقشه جغرافیا وجود داشته باشد، و آننگاه به نوحه سرا بی برداختند، که این عبارت شکسیر چه خوب مصداق حالشان می شود، آنجا که تالو بیسه دردمونا گفت: "تورا گشتم تا بس دوست بدارم."

نکته دیگری که شمی توان تا گفته رزش گذشت آن است که اگر ایرانی بدست، مگر ملات های دیگر فرشته اند؟ آیا واقعا "غالی از عیب اند؟ البته نمی توان بسا روی حق گذاشت و همه خلایق را به یک چوب براند، ولی این را هم باید گفت که شوع تقلب ها تفاوت می کند و ما با بعضی نوع ها بیشتر عادت داریم، مثلاً نسبت به آنچه مربوط به تمدن مغرب زمین است، خوشبینی بیشتر خرج داده می شود، و در مقابل، نفی هر چه در شرق می گذرد، جزو تمدن آبی شده است. به این حساب، دزدی ها و تقلب های بزرگ از جلودار ما رومی شوند، و دزدی های کوچک و مملوس، مهر حکومت می خورند.

این همه اسلحه که در کشورهای صنعتی ساخته می شود و بر مردم فقیر، غالباً به دست خودشان ساخته می شود چه طور؟ سولهای که از دنیا می آید و در بانک های سوئیس و نظارتان می خوابد، آیا غارت نیست؟ و بیست و دلاری خلیج فارس که در اروپا و آمریکا ذخیره می گردد، از راه محترمانه بدست آمده است؟ و آیا این کشورها و بانک ها، شریک جرم نیستند؟ و آیا این خودیکی از نتایج فقر سبب در آفریقایی و بنگلادش شناخته می شود؟

از این ها گذشته، مگر گمانست که در کشورهای بی که تمدن خوانده می شوند، است؟ تقلب غذا بی، دارویی، آلودگی محیط زیست، آیا این ها جزو اخلاقیات اند؟ به جهت آن که در سطح بالا حرکت می کنند، و تقلب یک مسافر خانه دار خیابان گراخ گراخ جزو ردائل؟

یک مثال کوچک بسیاریم که مبتلابه آقای جمال زاده شده است، ولی خوب است بشنوند، و آن ماجرای گرفتار و بیچارگان کشورهای غربی در ایران است. آیا از صف های یک شبانه روزی در زیر باران و آفتاب خیس در آید؟ و آن که چهره ناری می شود؟ نزدیک به بیسوا ن آبا شنیده اند که در جلویکی از کنسولگری ها سبب به جان

مردمانداخته اند؟ و این همان کشورهایی هستند که چند سال پیش با منسبت مسافر ایرانی را می پذیرفتند، فقط به علت آن که می توانست از زرا و آن با خود داشته باشد، ولی اکنون کیسه اش چنان که با بدترین است و گناش این است. هر علت دیگری ذکر شود، بیاهناست، دنیا را صرفاً از دیدگاه پول دیدن، بی توجه به آن که این پول از چه ممری کسب شده است، یکی از بارزترین نشانه های بی اخلاقی است.

عجیب این است که آقای جمال زاده حتی منظره های ایران را هم مشمول بی لطفی قرار داده بودند. انسان ها پس نبودند که کوه و دشت بی گناه را هم بی نصیب نگذاشته اند. عبارتی که راجع به شراز نوشته بودند، حکایت از دل پردردی داشت. این، از همه عجیب تر است، زیرا هر چه را در مورد ایران بشود نگار کرد زیبا بی گناه و دشت و آفتاب و باکی آسمان نادیدنی نیست، بخصوص که هر یک از آن ها با آن همه تاریخ آمیخته است. بیسک منظره به تنهایی، هر چند بسیار خوش باشد چشم انسان را بی جانی است، زمانی چنان می گیرد که خاطر را نکیز بشود. تنها در این گونه رخا که است که ما می توانیم ولوله های خاموش تاریخ خود را بشنویم، آن گونه که ابی سعید بی الخیر گفت:

سرتا سردتت خاوران سنگی نیست
کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست

در هیچ مقام و هیچ فرستگی نیست
کز دست غمت نشسته دلنتگی نیست

ولی البته این نیز دیده خاص می خواهد:
گفت لبلی را خلیفه گان تویی
کز نوشد محتون برشان و غبوی

از دیگر خوبان تو افزون نیستی
گفت: خامش، چون تو مجنون نیستی

برسیم به آخر کلام، آیا ایرانی با این خصوصیات اصلاح شدنی هست؟ مکتبی که در طی تاریخ آن همه قابلیت از خود نشان داده و مقاومت ورزیده، و از ملت های هم عمر او تنها یکی دوتا یا قی مانده اند که مانند او ادامه تاریخ خود را حفظ کرده اند، چرا او را در کار خود در مانده شنا سیم؟ ایران از تنق زمان رنج برده است، و از انسان کار آمد و دلسوزان داره گذشته. مردم همه شوع آمدگی دارند، دنبال قالب گذشته ای می گردند که در آن ریخته شوند، و از نوکار آبدگردند: شنه می گوید که کو آب گسوار

آب هم گوید که کو آن آب گسوار
به رغم بدبینی ها، من آینده ایران را درخشسان می بینم، به شرط آن که دنیا بتواند این سیسری را که ربه کینه ورزی و انهدام و انحطاط دارد، متوقف کند، و گرنه اگر اروپا چنین شیبی داشته باشد، از ایران به تنهایی چه توقع؟

نظاره "اشاره است به آنچه آقای جمال زاده درباره رودرکن آباد شیراز نوشته اند، ایران نامه سال ۲، شماره ۲

بقیه از صفحه ۹

انتظار بزرگ

بقیه از صفحه ۴

زمینی اش در برلین تنها مانده، فقط همین اندازه قدرت داشت که به تیا نچه اش جان خود و معشوقه اش او را بر او را بگیرد.

در تاریخ هیچ قدرت بی زوالی وجود ندارد، در سیاست نیز چنین است. در دموکراسی ها اشتغال قدرت بطور مسالمت آمیز صورت می گیرد، در دیکتاتورهای تیک تاک یک بمب ساعتی نزدیک شدن لحظه پایان را اعلام می کند.

از همین رونقهای سیاسی ایران از یک انتظار بزرگ آکنده است. دگرگونی بزرگی در پیش است. زیرا صدای تیک تاک بمب ساعتی، اینجا و آنجا نزدیک را خبر می دهد.

گرما گرم یک جدال در مجلس ملی فرانسه با زداشت کردند و به پای گیوتین برسد، حال آنکه خمینی برای آنکه از چنین عاقبتی بگریزد، غمخود را مدت ها ست در قلعه جماران زندانی کرده است.

با این همه تاریخ در برابر ابدان ها و حما رهای قلعه جماران که سهل است، در برابر دیوار چین نیز از حرکت سباز نمی ایستد.

خمینی اگر در قلعه های بسیار محکم تراز این، و حما رهای بسیار بلند تراز این، پنا بگیرد، باز هم نمی تواند از سر نوشت حتمی خویش فرار کند.

خمینی بدون رادیو - تلویزیون، بدون روزنامه ها، بدون محافظان مسلح، بدون رئیس دولت، بدون رئیس مجلس و بدون رئیس جمهوری خود که دیگر خمینی نیست، خمینی که سهل است، بزرگترین دیکتاتورهای تاریخ، هنگامی که وسائل حکومت کردن را از دست بدهند، از بی دفاع ترین آدم های روی زمین بی دفاع ترند.

هیتر که در اوج قدرت میلیون ها انسان را در اروپا و بیرون از اروپا به کام مرگ فرستاد، هنگامی که در پنا هگا ه زیر

مانند بوده، مردم در جهل بود بر طرف کنند و دست سیاستور خود فرومی راکه محقق همیشه از آن ها نصرت داشت کوتاه کنند. آن ها بطریبات عقلایی و تجدد خواهانه خود را هم در روزنامه ها و مجلات مردم پسند بیان می کردند و هم در تارتی که در تهران دایر کرده بودند و ارزش فوق العاده، نمایش های آن مشهور شده بود، روی صحنه می آوردند. نخست وزیر به این ها نزدیک تر شد و مطمئن بود که این نظرات قابل ستایش فرهنگی که "جبهه شوری" تشکیل نمی دهد. وی در کمال سادگی از این خطر غافل بود که همین نظرات همه دشمنان روسیه را علیه او متحد خواهد کرد.

وودها وس موضوع دیگری را بعنوان نمونه ای از اقدامات دکتر مصدق که به نفع نقشه کودتا تمام شد، ذکر می کند و آن واقعه، روز ۹ اسفند ۱۳۳۱ است که شاه قصد عزیمت به خارج داشت. ولی در نتیجه نظراتی که به پیشینانی از او صورت گرفت از این قصد منصرف شد. وودها وس در میان شاه شیر این واقعه در تقویت فکر کودتا می گوید: تصمیم شاه نتیجه عملیات مصدق بود و اگر او ایران را ترک کرده بود این کار منجر به استعفا او از سلطنت می شد.

در کتاب روز ولت نیز شرحی درباره نا شیر روش دکتر مصدق در توطئه انگلیس و آمریکا علیه او گفته شده است. روز ولت چنین می گوید: (۹) تبلیغات ماعلیه او خیلی خفیف بود. اگر ما خواسته بودیم روزنامه ها یا افراد با زمان ها را وادار کنیم به اینکه آشکارا علیه او موضع بگیرند و اگر آن ها از روی حماقت چنین رفتاری کردند بی درنگ دستشان از کار قطع می شد. اما اگر ما نمی خواستیم تهور زیادی بخرج دهیم ولی هم خود هم بوسیله همکاران ایرانی خود می توانستیم مطالبی علیه مصدق عنوان کنیم از قبیل اینکه او از بلوک غرب جدا شده و به تدریج به بلوک شوروی پیوسته است. همچنین اینکه اگر او به روش شخصی کنونی خود ادامه دهد دیگر نقش سلطنت در ایران معنی نخواهد داشت.

مصدق
ونهضت ملی ایران
در کنافن چپ و راست

- ۱ - همان ما، خذ - end of Empire P. 217 - 218
- ۲ - Cotton : P. 217
- ۳ - Harry Rubin : Paved with good intentions.
- ۴ - The American Experience and Iran
- ۵ - Woodhouse : 125
- ۶ - Countercoup 120 - 124
- ۷ - Woodhouse P. 118
- ۸ - End of Empire 219
- ۹ - Contrecoup 125

همه جهان غمخوار!
مرور بلخ حمری سبب سناوس
ملی ایران را تا حد ۱۱ صبح
سارا در حران آفرین حره اف
ایران و جهان برار می دهد.
ساره مللی:
۴۳-۳۶-۸۵-۸۵ - بارسی

تعارفی کتاب

قیامی که مذهبی نبود...

"آیت‌الله خمینی" نوشته‌ی فربرز ریاحی در زمان آلمانی در فرانکفورت انتشار یافته است. نویسنده در مقدمه‌ی این کتاب ۱۷۵ صفحه‌ای، به افکار و نظرات خمینی در باره‌ی ایران و "ایرانیت" اشاره می‌کند و می‌نویسد: "ایران برای خمینی، فقط قطعه‌ی زمینی از سرزمین بزرگ اسلامی است که بر اثر انقلاب او آزاد شده، و برای برقراری حکومت جهانی اسلامی، باید معالک اسلامی دیگر را هم آزاد کرد."

خمینی که به ملیت ویرجیا پیران کوچکترین اعتقادی ندارد، فرزند پدر و مادری است که از کمپریه ایران آمدند، و به همین دلیل، تا سال ۱۹۳۰ وی به اسم سید روح‌الله موسوی هندی نامیده می‌شد، و بعد که داستان‌ها جاری شد، خمینی نام خانوادگی اش را از زادگاهش خمین اخذ کرد.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به سقوط ساسانیان و تسلط اعراب بر ایران و سپس حکومتی ایجاد مذهب شیعه و رسمی شدن آن در ایران می‌پردازد و اولین موضوع را که چرا روحانیون در غیاب امام دوازدهم، خود را جانشین وی می‌دانند، مورد بحث قرار می‌دهد.

وی می‌نویسد: از زبنا، روحانیت شیعه در ایران، تابعیت آنان از مراکز قدرت، و هم‌اکنون با رهبران یا جریان‌های سیاسی کشور بوده، سامان‌های مادی و معنوی خود را حفظ کنند.

در سال ۱۸۹۰، ملایان، هنگام بیای جریان روز، از انضام‌الدین شاه فاطمه گرفتند و تنبیه کوراً تحریم کردند. در انقلاب مشروطیت ایران، وجود شاه با اختیارات کمتر را به نفع خود دانستند و به همین دلیل برخی از آنان با انقلابیون دمکرات، اختلاف کردند. اما بعداً "با دکترمصدق، طرفدار دموکراسی و قانون، به مخالفت برخاستند، زیرا صدق به جدایی دین از سیاست معتقد بود. و در نتیجه در کودتای ۲۸ مرداد با آمریکا همکاری و عمل آن‌ها در سقوط حکومت دمکرات و ملی دکتصدق همکاری کردند.

نویسنده سپس چنین نتیجه می‌گیرد: در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به رغم آنکه اسمی از خمینی برده نمی‌شود، نمی‌شود از نقش وی غافل شد، زیرا خمینی از نزدیکان و محرمان آیت‌الله کاشانی بوده است. باید به یاد داشت که پس از کودتای سال ۱۹۲۵ که رضا شاه قصد داشت در ایران، رژیم جمهوری تشکیل دهد، آیت‌الله‌ها شری، معلم خمینی نیز که سلام خود را در خط می‌دید، رضا شاه را به تشکیل مجدد سلطنت در ایران شویق کرد.

نویسنده می‌نویسد: درگیری مستقیم‌شاه و خمینی دقیقاً از سال ۱۹۶۰ آغاز

می‌شود، از هنگامی که شاه به زنیسان آزادی داد و برنا می‌اطلاعات رسمی را در ایران بساده کرد کاری که از قدرت ملایان در جامعه‌ی کاست و استغناء دهی کلان آن‌ها را از زمین‌های کشاورزی گاه می‌داد به عسارت دیگران از هنگامی که شاه دیگرها سر به تقسیم قدرت با آنان نمود.

به همین دلیل خمینی هنگامی که در تبعید در عراق بود، برای سرنگونی شاه با تیموریختیار، رئیس سابق ساواک همکاری و از طریق همسر وی، کمک‌های قابل ملاحظه‌ای دریافت کرد. به نوشته‌ی نویسنده‌ی کتاب، بعد از بیای تیموریختیار، خمینی با فردوست رئیس بازرسی ساکنان می‌بزمکاری نزدیک داشته، و دلیل کشته شدن فردوست و قره‌باغی نیز، در حالی که همه‌ی اجزای ارتش ایران اعسدام و نیرویان شدند، در همین همکاری بوده است.

چگونگی قانونی کردن ولایت فقیه و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی و نیز تجا و زبیه حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و زنان، و بالاخره نرخ روزمره‌ی حوادث قیام مردم تا فتنه‌ی خمینی، فصل‌های دیگر این کتاب را تشکیل می‌دهد.

به طور کلی کتاب آقای فربرز ریاحی، که فردی جریانات سیاسی چنددهه‌ی اخیر را در برمی‌گیرد، با ارائه‌ی مدارک به این نتیجه می‌رسد که قیام سال ۱۹۷۹ ایران، در حقیقت دنباله‌ی قیام و عدالت خواهی مردم در سال ۱۹۰۶ و ۱۹۰۵ است و نباید یک قیام مذهبی و آخوندی بشمارد.



جنگ در بلوچستان

بقیه از صفحه ۱

در درگیری هفت ماهه عسکری که در همین روز میان عشایر سردرژیم و ماوران رژیم اسلامی روی داد دهها پاسدار کشته شدند. دوش از پاسدارانی که در بیمارستان خاتم‌الانبیاء زاهدان بستری شده‌اند، گفته‌اند: شهدای ما به حدی بود که حمل جنازه‌های آن‌ها دشوار بود.

بر پایه این گزارش‌ها، بعد از ظهر روز ۲۲ شهریور دوفرونده‌لی کوپتر جمهوری اسلامی در آسمان منطقه توسط نیروهای عسکری هدف گرفته شد و سرنگون گردید. یک هلی کوپتر دیگر در ۲۳ شهریور در منطقه عبدالقادر سقوط کرد.

این گزارش‌ها می‌افزاید: تاکنون شصت تن از افراد بومی منطقه در محصل دستگیر و زاهدان منتقل شده‌اند و تا

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴ فرانک فرانسه -

شش ماه ۱۲ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: Nam

نام: Prénom

آدرس: Adresse

ما یلیم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه ... شماره حساب پستی ... فرستاده شد.

قبض رسید به ضمیمه ارسال می‌گردد.

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN C.C.P. No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

توجه لازم

تعمیرات تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه‌هایی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی‌رسد.

بهب گزاری‌ها

نتایج سیاست فرانسه

روبرنا می‌انگلسی زمان تهران ناصر حاج تهران در سال ۲۲ سنه سرحدوست:

بوجا بعضی‌ها می‌نویسند در فرانسه، بعضی طبیعی و بعضی سیاسی سیاست‌های ما چرا خوب نبودند و حتی دولت فرانسه در لحاظ مختلف سیاسی و خصوصاً در امور سیاسی است.

تهران تا بحال می‌نویسد: بعضی امور فرانسه، بدان سیاست که گفته‌ها پس با اعمالی مطابق ندارد، گفته‌های مطابقت فرانسه و قابل اعتماد نیست و در آن دورویی به چشم می‌خورد.

سین تهران تا بحال در نظر ما این است: متعدد در دنیا می‌نویسد: دولت فرانسه از زمان روی کار آمدن سوسالست‌ها، سیاست‌های بسیار سیاسی ایجاد کرده است. و در مورد حلی کنورها، عمل حاد. لبنان و در حرکت تحمیلی علیه جمهوری اسلامی، دخالت دارد.

تهران تا بحال در نظر ما این است: می‌کند که با تحولات سیاسی اهل‌های بی‌الصلی، رژیم عراق را با انان‌س سلاح‌های بی‌سرمه که علیه شهرهای ایران و کشتی‌های بحاری در خلیج فارس بدکار می‌آورد، مورد حمایت قرار می‌دهد. تهران تا بحال در نظر ما این است: گفته‌های احزاب سوسیالیست در کوب می‌نویسد: فرانسه‌ی ما با یک کورده که برای آن‌ها فروس‌العه، مهمتر از اجرای عدالت است.

لازم به یاد آوری است که همیشه می‌توان به هنگام گفتگو با سرکوب، خود را با قطع بلافاصله جنگ جمهوری اسلامی و عراقی حواشی نشان داده بود. خبرگزاری فرانسه - ۲۲ سنه سر

روز ۲۵ شهریور ۷۸ تن از ماوران رژیم در این درگیریها به هلاکت رسیده‌اند. یک گزارش از زاهدان حاکی است که تمام تلفن‌های این شهر تحت کنترل شهید قرار گرفته است. نیروهای عسکری بر ارتفاعات مسلط شده اند و پاسداران در موضع آسیب‌پذیری قرار گرفته‌اند.

آخرین گزارش حاکی است که در بیاض و ساحل بلوچستان، در برنا، پروازهای داخلی تغییراتی بعمل آمده و اکنون هیچ هواپیمائی در فرودگاه زاهدان فرود نمی‌آید.

ماه‌ور خرید اسلحه‌ی

جمهوری اسلامی در لندن

بقیه از صفحه ۱

سلاح‌های ربه شده از بیگاه‌های دریایی و کشتی‌های هواپیما بر آمریکا می‌افزاید: تاکنون شصت تن از افراد بومی منطقه در محصل دستگیر و زاهدان منتقل شده‌اند و تا

آمده‌ها می‌دهد سوداگران اسلحه که از لندن به عنوان بیگاه استفاده می‌کنند، مستقیماً با عالین خرید اسلحه جمهوری اسلامی، در بیایخت انگلستان معامله کرده‌اند.

بر اساس اسناد فاش شده توسط نهضت مقاومت ملی ایران، در آن زمان، سرهنگ راسخ احمدی، سرپرست دفتر خرید اسلحه، در لندن، مذاکرات مربوط به خرید اسلحه را با نمایندگان شرکت آی. ام. اس. و نماینده شرکت حمل و نقل آلپورت (شرکت‌های وابسته به وزارت دفاع انگلستان) انجام داده و قرار بر این شده که به منظور تأمین ملاحظات امنیتی، اقدام تسلیماتی از فرودگاه سنترولی هوایی انگلستان در ۷ مای غرب لندن با رگیری شود، و هزینه حمل نیز به صورت ارز دولتی برداشت گردد.

گزارش اخیر خبرنگار ما از لندن نشان می‌دهد که برنا می‌خرید اسلحه توسط جمهوری اسلامی از لندن یا از طریق لندن، همچنان ادامه دارد.

تولید یون فرانسه

خمینی متهم شماره یک

رتارح ۱۸ سپتامبر کاشال اول نلسون ماندلا فرانسه با دعوت از گروهی از کارشناسان برجسته در مورخا و زمانه، طی چند روز در فرانسه برگزار می شود. روزنامه معتبر لوموند، مساور کانون وکلای فرانسه و نیز رئیس سابق سازمان امنیت فرانسه، جنگلی اوکیبری موج عملیات خوبیا رتوروستی و جستجو برای ریشه کن ساختن تروریسم در اروپا و جهان را مورد بحث و گفتگو قرار داد.

در این برنامه نلسون ماندلا، سرگت کشتگان همگی انگشت اتهام را متوجه رژیم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران ساختند و اعلام داشتند که در ماجراهای تروریستی اخیر دست حاکمان سر ایران را باید جستجو کرد.

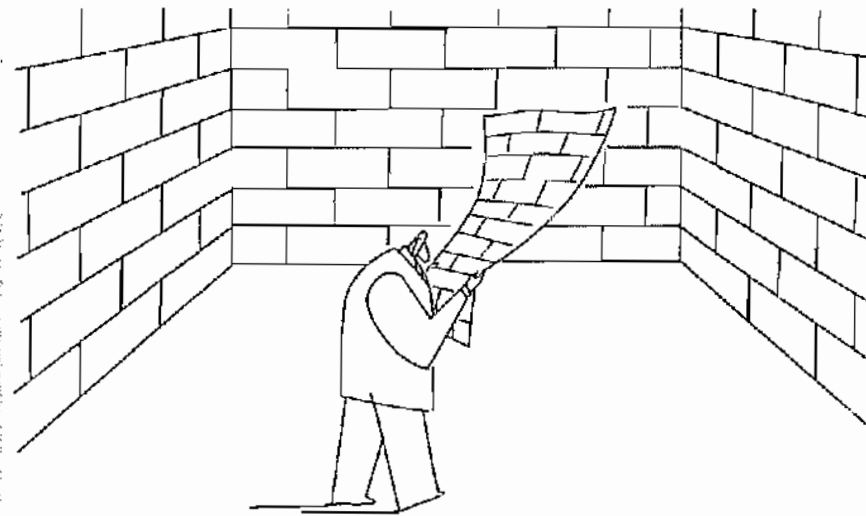
آنگاه یک مفسر سیاسی نلسون ماندلا فرانسه گفت: در سال ۱۹۷۹ پس از پیروزی انقلاب در ایران، رژیم سروروستی فلسطینی و لبنانی برداشت و کتک های مالی و لاجستیکی با آن شویی در اختیار آن قرار داد. سی ارن، با تشکیل اتحادیه میان رژیم های جمهوری اسلامی - لیبی و سوریه ملت تروریسم در جهان با سه میدان گذاشت و با انتخاب های این رژیم تبدیل به مدارس تعلیم تروریست گردید و بعدها تروریست حرفه ای از حاورمانه نیز در تهران تبلیغات تروریستی و خرابکارانه را فرا گرفته و جهت انجام مأموریت های آتی کشته خود را زمامت را بر عهده گرفتند.

یک کارشناس مورخا و زمانه که با لیاقت در لبنان سرزمینی بود در لبنان سه سجان معتبر نلسون ماندلا گفت: آیت الله خمینی حتی بر اساس استمرار رژیم با جمهوری فلسطینی و لبنانی سروروستی و فلسطینی در صدد سروروستی و خرابکارانه در صدد مصلی ایران برآمد که در آن سروروستی با گامی رو برون و در آن عملیات خونین، یک پلیس و یک زن خانه دار کشته شدند. و یک ماه سوروستی فرانسه تا اید رسن کبر گردید و در نهایت آن اندیشمندان رئیس گروه کاندووشی تروریست ها توسط پلیس امنیتی فرانسه دستگیر و از محاکمه به زندان آید محکوم شد.

اندکی بعد، رژیم انقلابی خمینی سروروستی فراهم آوردن آزادی انجمن نقاس برآمد و با به گروگان گرفتار شدن چندتن از روزنامه نگاران و دیپلماتهای فرانسه در بیروت طرح باج گیری و معاوضه گروگان ها در لبنان را با انجمن نقاس به دولت سوریه لیست فرانسه سپردند. در آن زمان فرانسه صفران رئیس جمهوری فرانسه تصمیم گرفت که برای نجات اتباع فرانسه، با آدم ربیایان وارد مذاکره شود ولی تا امروز هیچگونه نتایجی حاصل نکرده است.

جنگلی ها

بقیه از صفحه ۱



مدیران مرکز بهداشتی که این طغی جنگلی اکنون در آنجا به سر می برد گفته اند پس از این چند کودک دیگر که در جنگل های اوگاندا پیدا شده بودند به این مرکز انتقال یافته اند ولی همه آن ها پس از مدتی مرده اند. حشون سوانسند اند چون آن را با محیط جدید تطبیق ندهند.

مدیران مرکز بهداشتی که این طغی جنگلی اکنون در آنجا به سر می برد گفته اند پس از این چند کودک دیگر که در جنگل های اوگاندا پیدا شده بودند به این مرکز انتقال یافته اند ولی همه آن ها پس از مدتی مرده اند. حشون سوانسند اند چون آن را با محیط جدید تطبیق ندهند.

و باز هم دلیل طبیعی و علمی است که - صرف نظر از دلائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی - ما رژیم موجود ایران را قابل دوام نمی دانیم. رژیم کتک آیت الله خمینی تا به سر کرده یک رژیم جنگلی است. یک چیزی است شبیه آن طفل جنگلی که گرجا ز نسل انسان است و ظاهر انسانی دارد ولی بی در آن دوره ای که میبایستی آداب زندگی انسانی را فرا بگیرد از محیط دور افتاده و با خلق و خوی موجودات جنگل بیگانه شده است. این را باید در نظر گرفت. در همان جنگل تا نتوانند در محیط ماه لوف زندگی کنند و زنده بمانند و الا غذایی که به او می خوراندند و لباسی که به او می پوشانند و زخمی که می کشند تا او را با هموعیان متعددی مربوط کنند عوض اینکه فوت آزادی احتمالی این گروگان ها که در واقع در جنگ رژیم جمهوری اسلامی فرار دارند دردست نیست.

در این میان یکی دیگر از روزنامه نگاران فرانسه گفت که در کنار همه تلاش های دیپلماتیک جهت عادی سازی روابط با رژیم حاکم بر ایران که از سوی دولت

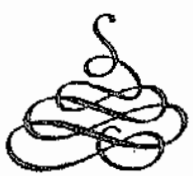
است از شکم یک انقلاب، درین سالهای ربع آخر قرن بیستم، یک رژیم جنگلی بیرون بیاید. اما همچو اتفاقی افتاد و معلوم شد درین دنیا هر چیزی شدنی است و به قول ناپلئون غیر ممکن، غیر ممکن است. با این حال، اکنون کسسه چنین اتفاقی افتاده و متأسفانه تجربه بسیار سخت و تلخ فرا بی را بر ملت و کشور ما تحمیل کرده است. یک چیز را می توانیم با اطمینان خاطر بگوئیم که این سید و پسر در همین ایران دفن می شود و بنا به خواسته که قاتلشون طبیعت و قانون علم. اگر استثنائاتی را برای مدت کوتاهی تحمل کند، مسلماً فرصت ادا مباحثات به آن ها نخواهد داد. مسئولان مرکز بهداشتی که طفل جنگلی را تحت نظر دارند می گویند این بکی نسبت به اطفالی که قبلاً داشته ایم مقاومت بیشتری نشان می دهد و بیشتر دوام کرده است ولی در حال اگر نتواند خود را با محیط تطبیق دهد این هم مانند بقی خواهد بود.

رژیم آیت الله بیاید دلیل رفتنی است - یعنی محکوم به رفتن است - که قدرت انطباق با محیط را ندارد. در طول هفت سال به مجموعه این رژیم توانسته است خود را با دنیای عصر حاضر تطبیق دهد و نه تنها رهبران رژیم از خود استعفا دوارد بدن در فضای زندگی قرن بیستم نشان داده اند.

رژیمی که سروروستی و با جهل صلحون جمع و در آن سروروستی و نوع خاص جغرافیایی حکومت می کند در طول هفت سال با هیچ کشوری نتوانسته است رابطه معقول برقرار کند. در تمام دنیا فقط دو متحد دارد یکی سوریه که او را از بی دهد و استفاده می کرد، و یکی دیگر لیبی که بدو به خودش یک رژیم جنگلی به سوار می آید.

الجس مع الجنس میبایست، قذافی با همه دیوانگی با زلا قتل شادیش ها پیش سرگرم کننده است. شخصیت های جمهوری اسلامی این استعداد را هم ندارند و هر جا ظاهر میشوند فقط خجالت به بار می آورند. نه غذا خوردنشان به آدمیزاد می ماند، نه حرف زدنشان، نه حرکات و سکناتشان، نه نشست و برخاستن. مثل این که سندسیرده اند به همه نشان دهند که آن ها مال این دنیا و اهل این زمان نیستند و به جای آنکه خودشان را با دنیای حاضر تطبیق دهند قدامت را بر دنیای امروز بر سر بستند.

را نیز باید کوتاهی از این عملیات انتقام جویانه از سوی تهران توصیف کرد.



نشانی: QYAM IRAN C/O C. B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد